هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم –سال چهاردهم – شمارهٔ اول ۳حمل ۱۳۹۴ ۳ جمادی الآخر ۱۴۳۶ 23 March 2015



کسانی که می خواهند یک بخش تاریخ را حذف کنند به دهقانی می مانند که در شوره زار می کارد.

از سخنان رهبر شهید



از نوروز و سال نو هجری خورشیدی، تجلیل بعمل آمد

به فرمان رئیس جمهور؛

۱۶ تن نامزد وزیران و ۱۲ تن به عنوان کمیسیون اصلاحات انتخاباتی، معرفی شدند

■ **عنایت**

جشن باستانی نوروز با حضور معاون اول ریاست جمهوری و صدها تن از هم‌شهریان کشور، در بلخ برگزار گردید.
جشن نوروز سال ۱۳۹۴ در میان تدابیر شدید امنیتی در حالیکه رجال برجستهٔ کشور، اعم از اعضای کابینه، اعضای مجلس نمایندگان، سفرا و دیپلوماتان کشورهای خارجی، و هزاران شهروند افغانستان شرکت کرده بودند، با شکوه بیشتر برگزار گردید.

این جشن که به میزبانی استاد عطامحمد نور سرپرست ولایت بلخ برگزار گردیده بود، آقای نور ضمن خیر مقدم مهمان، از نوروز به عنوان جشن باستانی یاد کرد که ریشه در تاریخ و فرهنگ این مرز بوم دارد. آقای نور، نوروز را جشن طبیعت خواند و از منتقدان خواست به نوروز خرده نگیرند و تحت تأثیر تبلیغات وهابیت نروند.

آقای نور گفت: در حالیکه در کشور هزاران پدیدهٔ زشت مانند، فسق و فساد، رشوت، قتل، انسان سوزی....وجود دارد، باید منتقدان دین‌مدار به آن مسایل بپردازند که ما هم همکار شان خواهیم بود. آقای نور در بخش دیگری از سخنان اش به دفاع از نظام دموکراتیک، ارزش های حقوق بشری و ارزش های آزادی بیان پرداخت و سال پیش‌رو را سال فراوانی و خوشبختی برای بشریت به ویژه مردم افغانستان آرزو کرد.

جنرال عبدالرشید دوستم معاون اول ریاست جمهوری، در مراسم بزرگداشت از نوروز تأکید کرد که مذاکرات صلح برای مردم افغانستان مهم و اساسی است، اما مشروط به این که تمام اقشار مردم، اعم از جوانان، زنان، روشنفکران ص۶

پیام صلاح الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان بمناسبت سال نو



حلول بهار و سال نو ۱۳۹۴ خورشیدی را به همه مردم رنجدیدهٔ افغانستان از صمیم قلب تبریک می گویم.

سال گذشته برای افغانستان، پر از مشکلات و دشواری های مختلف سیاسی و امنیتی بود. در کنار آن، انتخابات ریاست جمهوری و تجربهٔ دومین انتقال مسالمت آمیز قدرت نیز یک آزمون بزرگی برای مردم و دولت مردان افغانستان بود که الحمدلله با وجود مشکلات در این پروسه، با تشکیل حکومت وحدت ملی از این آزمون موفقانه عبور کردیم.

در سال ۱۳۹۴ خورشیدی نیز برگزاری موفقانهٔ انتخابات مجلس نمایندگان برای دولت وحدت ملی و مردم افغانستان یک آزمون مهم و دشوار است. با برگزار شدن موفقانهٔ انتخابات مجلس نمایندگان و همچنان برداشته شدن گام های عملی در راستای تأمین صلح و عملکردن دولت وحدت ملی به وعده هایش، افغانستان گام های جدی ای را در جهت تحقق ثبات و توسعهٔ پایدار بر می دارد.

امیدوارم که با رفتن زمستان و ورق خوردن برگهٔ دیگری از تقویم، غم و اندوه از این کشور رخت بسته و با شگفتن گل های بهاری، لبخند شادی نیز بر لبان مردم رنجدیدهٔ ما که در نزدیک به چهاردهه با رنج و اندوه زیسته اند، بشگفد.

صلاح الدین ربانی
رئیس جمعیت اسلامی افغانستان



یادی از مرحوم استاد فایز
مرد مجاهد، قلم و اداره ص۳

بازگشت همه بسوی اوست

با تأسف آگاهی یافتم که استاد مولانا سخیداد فائز از پیشگامان نهضت اسلامی و از اعضای شورای رهبری جمعیت اسلامی افغانستان در دوران جهاد، به لقاء الله شتافت.

انا لله و انا الیه راجعون

استاد سخیداد فایز، مرد مؤمن و مجاهد، دانشمند متواضع، نویسندهٔ توانا و الگوی خوب تقوی و ایمان داری بود.

رهبری جمعیت اسلامی افغانستان در گذشت او را به اعضای این حزب و خانوادهٔ مرحومی تسلیت گفته و به مرحومی بهشت برین از بارگاه ایزد متعال استدعا دارد.

صلاح الدین ربانی
رئیس جمعیت اسلامی افغانستان

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیئت تحریر
آدرس: کوچهٔ اول سرک لیسهٔ نادریه — عقب تلویزیون نور.
شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵/ ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

به امید اینکه؛

سال نو را، سال صلح بنامیم!

سال ۱۳۹۴ هجری خورشیدی فـرا رسـید، ایـن سال را نیز با همه تحولاتی که در پی خواهد داشـت، سال نکو، پُر از خوشی، رفاه و ترقی بـرای کـشور و مردم افغانستان می خواهیم.

در سال گذشته، شاهد اتفاقات ناگواری بودیم که نا امنی، حملات انتحاری و انفجاری، آدم ربایی، وقوع حوادث طبیعی، جان تعدادی از نیروهـای امنیـتی و دفاعی و برخی شهروندان کشور را در برخی مناطـق گرفت و مردم را به ماتم نشاند و تعدادی هـم بـی خانمان شدند و صدمهٔ مالی دیدند و برخـی هـم بـه جمع معلولان پیوستند.

در سال گذشته نیز همانند سال های پـار، فـساد اداری، نبود زمینهٔ اشتغال بـرای بیکـاران، افزایـش کشت و قاچاق مواد مخـدر، بـسته بـودن تعـدادی مکاتب در برخی مناطق نا امن بروی دانش آمـوزان، قانون شکنی، غصب زمین توسط زورمندانِ و ده هـا مورد دیگر از جمله چالش هایی بود کـه ضـربه بـر کـشور و مـردم وارد کـرد و نمایـانگر نبـود یـک حکومتداری خوب را به اثبات رسانید. بدون تردید بی باوری ها را هم نسبت به حاکمیت تقویت کرد.

اما با وجود نا امنی ها و مداخلات پیدا و پنهانی که از سوی دشمنان داخلی و خارجی وجود داشت، نباید نا دیده گرفت که شاهد کارهـای مثمـر در کـشور و ایجاد روابط نیک با برخی کشورها نیز بـوده ایـم. از همه مهمتر و آنچه برای کشور و مردم ما در اولویـت قرار دارد که سال ها ست منتظر آنیم، تحکیـم پایـه های صلح است که زمزمه های این آسایش بـشریت به گوش ها طنین انداخته و نوید بخش مـی باشـد. تلاش هایی وجود دارد، مخالفان مـسلح دولـت بـه پروسهٔ صلح بپیوندند، که در صورت تحقق این نیـاز همگانی، سال جدید -۱۳۹۴- را سال صلح بنامیم تا دیگر شاهد نا امنی در کشور نباشیم و مردم ما همـه متحدانه و یک پارچه زنده گی نمایند.

همان طوری کـه در بهـار ایـن تجدیـد حیـات طبیعت، در فکر سرسبزی و شاداب ساختن طبیعت و محیط زیست هستیم، باید به فکر شادابی جامعـه و زندگی باهمی خویش نیز باشیم. نگذاریم دشمنان با استفاده از زبان، رنگ، نژاد و مـذهب، باعـث ایجـاد تفرقه شوند. همـه متحدانـه و یـک صـدا در بهـار طبیعت، نهال دوستی و همدلی در جامعه بکاریم و در باروری و مستحکم نگاه داشتن آن نیز کمر همت بـر بندیم.

افغانستان در سالی که گذشت

ابوبکر سبزوار

سال ۱۳۹۳ برای افغانـستان سـالی پـر از چالش بود؛ چالش هایی که از سال قبـل از آن نیز قابل پیش بینی بود و تقریبـاً ایـن مـسئله مشخص بود که اگر تحـولات سیاسـی سـال ۱۳۹۳ بصورت درست مدیریت نشود، افغانستان در باتلاق بحران سیاسی ای فرو خواهد رفـت که بیرون آمدن از آن برایش دشوار خواهد بود.

در سال ۱۳۹۳ افغانستان شـاهد انتخابـات ریاست جمهوری بود. دور اول این انتخابات در ۱۶ ماه حمل و به دنبال ماه ها شایعات مبنی بر اینکه رئیس جمهور کرزی قصد کناره گیری از قدرت را ندارد، صورت گرفت. همزمان بـا ایـن انتخابات، رسانه های دولتی و خصوصی و نهاد های جامعهٔ مدنی بـشکل سـازمان یافتـه بـه تمجید از این انتخابات پرداختند و از حضور بی سابقهٔ مردم بخصوص زنان سخن گفتند و آنـرا حماسهٔ بزرگ خواندند. تلاش این بود تا تقلـب گسترده ای که در این انتخابات صورت گرفت، در پردهٔ تبلیغات پنهان گردد. ناظران بین المللی نیز در تلاش مشابه، سـعی نمودنـد تـا تقلـب گسترده را زیاد جدی نگیرنـد و چنیـن وانمـود نمایند که بـا معیـار هـای کـشوری کـه تـازه دیموکراسی را به آزمون گرفته است، تقلبی در چنین سطح می تواند قابل اغماض باشد.

انتخابات در دور اول به نتیجه نرسید و بـه دور دوم رفت. دور دوم ایـن انتخابـات در ۲۴ سرطان برگزار گردید اما این انتخابات بازهم با تقلبات سازمان یافته توام بـود. تیـم انتخاباتـی داکتر عبدالله با ارائهٔ اسناد و مدارک، طرفـداران اشرف غنی را به تقلب گسترده متهم کرد. ایـن تیم مدعی بود که ۲ ملیـون و ۶۰۰ هـزار رای داکتر اشرف غنی جعلی است.

کار به مداخلهٔ جامعهٔ جهانی کشید اما حتی بازشماری صد درصدی آرای ریختـه شـده بـه صندوق ها نیز گره کشای مشکل نشد و ناچـار در نتیجهٔ فشار امریکا، تصمیم گرفته شد که در انتخابـات دور دوم هیچکـدام از دو کاندیـدا شکست خورده یا پیروز بشمار نیایند و بر همین بنیاد در ۳۰ سنبله با حضور وزیر خارجهٔ امریکـا توافق نامه ای میان دو کاندیدا به امضا رسید و حکومتی به نام وحدت ملی بـا تقـسیم قـدرت بشکل مساویانه شکل گرفت.

ساختن حکومت مشترک میان دو تیمی که در جریان انتخابات همدیگر را به تقلـب متهـم کرده بودند، کار ساده نبود و به همین دلیل نیز بعد از گذشت بیش از ۱۵۰ روز از عمر حکومت وحدت ملـی، هنـوز کابینـه تکمیـل نـشده و اختلافات پا برجاست.

در توافق نامه میان دو رهبر، موضوع تغییر بنیادی در ساختار کمیسیون های انتخاباتی که بحران سیاسی کشور ناشـی از عملکـرد هـای ناقص و ناسالم آنها بود مورد توافق قرار گرفت اما تا اخیر سال ۱۳۹۳ در این رابطه اقدام جدی صورت نگرفت و اختلافات حل نشد.

مشکل تذکره های الکترونیکـی کـه مـی تواند از تقلب در انتخابات های آینده جلوگیری نماید نیز هنوز حل نشده و با وجود اینکه بارهـا مسوولین از توزیع آن سخن گفتند، هنـوز ایـن کار جنبهٔ عملی بخود نگرفته است.

در عرصهٔ روابط خارجی روابط با امریکا در مقایسه با دوران رئیس جمهـور سـابق بهبـود یافته است اما اشرف غنی با توجه به شـناختی که از امریکا دارد می داند که وی نبایـد دیگـر انتظار چک سـفید از خـارج را آنگونـه کـه در دوران حامد کرزی شاهدش بودیم، داشته باشد. پس او مجبور است تا توجه را به منابع داخلـی معطوف سازد و این کار نیز بدون تامین صـلح ناممکن است. موضوع صلح با مخالفین دولـت همچنان در حد شایعات رسانه ای مطرح است!

امضای قرارداد امنیـتی بـا امریکـا تحـول دیگری بود که در این سـال صـورت گرفـت. هرچند کار این قرارداد در دوران حامد کـرزی نهائی شد و حتی لویه جرگهٔ فرمایشی هم به فرمان وی دایر گردید تا به نفع امضای ایـن پیمان رای دهد، امـا بعـد تـر او از امـضای قرارداد اباء ورزید. اشرف غنی روز بعد از حلف وفاداری بعنوان رئیس جمهور، این قـرارداد را امضا کرد تا کمک جهانی به جنگ افغانستان ادامه یابد.

هرچند در دوران ریاست جمهوری حامـد کرزی، افغانستان فاقد یک سیاسـت خارجـی مدون بود و به نظر می رسـید کـه سیاسـت خارجی وی را شرایط روز تعیین می نماید اما با بقدرت رسیدن حکومت وحدت ملی، اشرف غنی با اعلام برنامهٔ سیاست خارجی کشور در پنج حلقه، رابطهٔ نزدیکی با هندوستان برقـرار کرد. در دوران کرزی، نقش هند بعنوان یکی از کمک دهنده های اصـلی بـه افغانـستان، موجب نگرانی پاکستان بود.

اشرف غنی با سیاست دور شدن از دهلی و دادن امتیاز به اسلام آباد موجـب شـد تـا پاکستان نیز قدم هـایی بـه منظـور نزدیـک شدن با کابل بردارد. رسانه هـای پاکـستانی این تغییر را بزرگ و بی سابقه خواندنـد و بـا شادمانی نوشتند که در طـول سـیزده سـال گذشته هیچگاه دو کـشور اینگونـه بـا هـم نزدیک نشده بودند.

این وضع موجب مایوسی هندوستان شد که در طول سیزده سال گذشته کمک هـای زیادی به افغانستان نموده بود. می توان گفت برعکس آنچه که مقامات دولت وحدت ملـی مدعی اند کـه در سیاسـت خـارجی خویـش بصورت مستقلانه عمل مـی کننـد و اصـل تعادل میان کشور ها را رعایت مـی نماینـد، لااقل در قبال دو کشور هند و پاکستان، وزنه به نفع پاکستان سنگینی می کند.

هدف از تغییر سیاست خارجی در رابطه با پاکستان که در سال ۱۳۹۳ توسـط حکومـت وحدت ملی روی دسـت گرفتـه شـد، جلـب حمایت پاکستان در جهت کمک بـه پروسهٔ صلح در افغانستان است. به نظر می رسد کـه این تغییر در سیاست ناشی از این توجیه باشد که افغانستان اگر به صلح نرسد، به هیـچ جـا نخواهد رسید.

شاید اشرف غنی نزد خود این محاسبه را دارد نفـع حاصـله از کمـک هندوسـتان بـه افغانستان، به مراتب بیشتر از ضرری است که افغانستان از نا امنی هـا تحمـل مـی نمایـد. فساد و بسیاری از نا بسامانی هـای دیگـر در افغانستان با جنگ رابطهٔ ناگسستنی دارد.

هرچند اشرف غنی گفته بود که صلح بـا مخالفین مسلح برای وی بیش از همـه چیـز اهمیت دارد اما بـا امـضای قـرارداد امنیـتی، امکان رسیدن به تفاهم با طالبان را که اولین خواست شان خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان است، مواجه به ابهام ساخت.

چالش های سیاسی سال ۱۳۹۳ تنهـا در ابعاد سیاسی محدود نماند بلکه، تاثیرات منفی آن روی اقتصاد کشور نیز بـشدت محـسوس است که موجب محدود شدن سطح اشتغال و نیز کاسته شدن از درآمد های دولت گردید.

افغانستان دارای اقتصاد مصرفی اسـت که بخش بزرگی از نیازهای ابتدایی مردم از خارج تدارک می شود و درآمـد دولـت نیـز بیشتر از محصولات گمرکی وارداتی بدست می آید. وقتی بیکاری در سـال گذشـته در کشور بیشتر شد، درآمد مردم بشدت کاهش یافت و در نتیجه قدرت خرید مـردم پائیـن آمد که خود را بشکل کاهش تقاضا در بازار نمایان ساخت.

کاهش تقاضا موجب شد تا واردات نیـز کاهش یابد و در نتیجه از عوایـد گمرکـی کاسته شد. به این ترتیب عواید دولت پائین آمد. این کاهش درآمد بحدی جـدی اسـت کـه حـتی گفتـه مـی شـود شـاید دولـت افغانستان در سال جدید بـه مـشکل تادیـهٔ معاشات کارمندان خود مواجه گردد.

دولت وحدت ملی بـا امـضای قـرارداد امنیتی با امریکا به این امید بود که جامعـهٔ جهانی به دولت افغانستان در جهت تامیـن نیازهای بودجوی اش کمک نمایـد امـا در این رابطه نگرانی بزرگ جامعـهٔ جهـانی از فساد در دستگاه دولت کابل است درحالیکه دولت وحدت ملی تاکنون به دلیـل درگیـر بودن در مشکلات داخلی خود، موفق نشده تا در این مورد اقدامی جدی انجام دهد کـه موجب اطمینان جامعهٔ جهانی باشد.

در بُعد امنیتی در ایـن سـال نیروهـای خارجی از جنگ دست کشیدند و بار جنـگ با مخالفین مسلح دولـت بـدوش نیروهـای مسلح دولت افغانستان قرار گرفت که گفتـه می شود تعداد تلفات این نیروها بصورت بی سابقه افزایش یافتـه اسـت. درعیـن حـال بعضی از نهاد های خارجی، فرار سربازان از نیروهای مـسلح افغانـستان را نـیز نگـران کننده خواندند.

اما در این سال بنا بر آمار هایی کـه از طرف نیروهای مسلح افغان بـه رسـانه هـا داده شد، در هر روز بصورت متوسط چهـل نفـر از جنگجویـان طالـب در جنـگ بـا نیروهای دولتی در سراسر افغانستان کـشته شدند. یعنی تعداد تلفات نیروهای طالبان در این سال سه برابر نیروهای افغان یعنی بـه حدود ۱۵ هزار تن رسـید کـه اگـر درسـت باشد، ضربهٔ غیر قابل جبران بر آنهاسـت و می تواند به معنی کاهش چشمگیر فعالیـت های نظامی آنان در سال جدید باشد.

در اواخر سال گذشـته موضـوع ظهـور داعـش بعنـوان یـک چـالش جدیـد در افغانستان اذهان را به خود مشغول سـاخت. ربوده شدن اسرار آمیز ۳۱ تن از مـسافرین هزاره در شـاهراه کابـل قنـدهار، بروشـنی تلاشی به منظور دامن زدن بـه کـشمکش های فرقه ای در افغانستان اسـت و نـشان می دهد که دشـمنان مـردم افغانـستان در سال جدیـد برنامـه هـای جدیـدی بـرای افغانستان دارند. خنثی کـردن ایـن تـلاش های شوم نیازمند بیـداری ملـت مـسلمان افغان بخصوص علمای دین است تـا مانـع رسیدن دشمنان به اهـداف تفرقـه افگنانـهٔ شان گردند.



نشست کاری اعضای کمیتهٔ فرهنگی با حضور شهید استاد برهان الدین ربانی رهبر فقید جمعیت اسلامی أفغانستان. مرحوم استاد سخیداد فایز رئیس فرهنگی و محمد نسیم فقیری با تعداد اعضای این بخش. (دوران جهاد - سال ۱۳۶۶ خورشیدی- پیشاور پاکستان)

یادی از مرحوم استاد فایز مرد مجاهد، قلم و اداره

محمد نسیم فقیری

سخن از رفتن یک مجاهد، یک مدیر که سالهای سال رئیس بخش فرهنگی جمعیت اسلامی افغانستان در دوران جهاد است. بدون تردید او از بهترین نمونه های یک مجاهد، یک عابد، مخلص به اسلام، مرد دیندار و با تقوا و نمونه و الگوی واقعی یک مسلمان بود.

کمتر کسانی یافت می شوند که این همه خصوصیات، به ویژه متانت و حضور او را در ادای نماز، با خود داشته باشند و چون او رفتار نمایند!

من از جوانی و نوجوانی با نام مولوی سخیداد فایز آشنا بودم، نوشته های او را در مجله پیام حق می خواندم... در نخستین سال جهاد و در ماه جوزای ۱۳۵۷ مولانا فایز را با پوهاند دوکتور توانا و به گمان غالب با استاد محمد جان احمدزی و استاد فضل الرحیم که با هم سفر و هجرت کرده و به پیشاور رسیده بودند، ملاقات کردم. سه شخصیت دیگر را نیز از قبل و از نزدیک دیده بودم و استاد سومی از ولایت لغمان و با ما دارای رابطهٔ تحریکی در سالهای سلطنت بود...

فایز، در آغاز سال ۱۳۵۲ به حیث مدیر مسوول مجلهٔ "پیام حق" مقرر گردید. پس از گذشت یک سال در موسسهٔ بیهقی تبدیل کردند که به برکت حضور فایز صاحب، تعداد بیشتری کتب اسلامی دراین موسسه به نشر رسید..

فایز در کنار و همراه با شخصیت های مشهور آن دورهٔ جهاد، چون: مولوی سید اکبر، مولوی حمدالله، مولوی محمد یوسف، مولوی محمد میر، مولوی عبدالقدوس و انجینر احمد شاه احمدزی، تلاش به خرچ داد تا اتحادی را میان صفوف جمعیت اسلامی و حزب اسلامی تشکیل دهد، بالاخره در اثر این فعالیت ها، شورای بیست و یک نفره تشکیل و فایز صاحب به ریاست آن برگزیده شد.

به این صورت، نخستین اتحاد و وحدت در دوران جهاد، میان تنظیم های جمعیت و حزب تشکیل گردید و مولانا فایز را بدون رغبت به ریاست این اتحاد برگزیدند... پس از مدتی کوتاه، بنا بر پیشنهاد حزب اسلامی، مولوی محمد نبی برای ریاست اتحاد پیشنهاد شد و فایز از ریاست آن داوطلبانه استعفا داد. دراین شورا مولانا فایز به حیث عضو اتحاد و رئیس کمیتهٔ مالی ایفای وظیفه کرد. بعد از انحلال این اتحاد، مولانا فایز در جمعیت اسلامی به حیث رئیس کمیتهٔ مالی تعیین گردید و بعد ها به حیث رئیس فرهنگی جمعیت اسلامی برگزیده شد.

دقت و مدیریت رهبر فرهیختهٔ جمعیت اسلامی، در انتخاب اشخاص، بسیار مهم و معنی دار بود. همواره ریاست های مالی را مولانا فایز و بعد پوهاند محمد جان احمدزی به دست داشتند که به حسن خو و امانت داری میان همه مجاهدین، شهرت بسزا داشتند. رهبر عالیقدر جمعیت، پول های جهاد و امانت ها را جهت مصرف به افراد مورد قبول خود و همه مجاهدین می سپرد.

مولانا فایز، در اتحاد اسلامی برای آزادی افغانستان، نیز عضویت در شورا و ریاست فرهنگی آن را به عهده داشت... با تشکیل اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستا ، مشهور به هفتگانه، مولانا فایز بازهم به حیث عضو شورای عالی و معاون کمیتهٔ فرهنگی که قاضی محمد امین وقاد آن را ریاست می کرد، تعیین شد و بازهم درکنار سایر برادران به خدمات فرهنگی، نویسندگی و تصحیح ادامه داد.

پس از انحلال این اتحاد، بازهم مولوی سخیداد فایز به حیث رئیس فرهنگی جمعیت اسلامی تعیین شد..

کتاب های نشر شدهٔ مولانا فایز به قرار ذیل است:

۱- اسلام و پیشرفت های نوین که درسال ۱۳۵۲ در مطبعهٔ دولتی کابل چاپ شده.

۲ - نقش اسلامی در اجماع که در همان سال و در همان مطبعه چاپ شده.

۳ - وثایق سری (ترجمه از عربی) که در دوران اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان در سال ۱۳۶۳ چاپ شده.

۴ - تذکره الرعاه که از عربی ترجمه شده است.

اعتماد مقام رهبری: گفتیم که مولانا فایز به حیث معتمد ترین شخصیت جهادی، همواره از نظر استاد برهان الدین ربانی به حیث مسوول و رئیس مالی و یا فرهنگی تعیین می گردید و کاملاً مورد اعتماد ایشان بوده اند.

فایز، شخصیت مودب، متین و با اخلاقی بود که هرگز در برابر بزرگان، تملق و چاپلوسی نداشته و مواقف اش را به صورت صریح و واضح بیان می کرد و اصلاً رضایت و یا نارضیاتی بزرگان را مدنظر نمی گرفت.

او مرد اداری و کاملاً پایبند به اصول و ارزش های اسلامی و اداری بود، او هرگز با مامورین و کارمندان، برخورد خشن و ناگوار نداشت، بلکه بسیار مهربان و حلیم بود.

در ریاست فرهنگی جمعیت، در اولین شورای فرهنگی و با حضور همه آمرین گفت: شما آمران را مقام رهبری و با آگاهی من تعیین فرموده اند و من به حیث رئیس شما اعلام می کنم:

من مدیران شعبات را مقرر نکرده و حتی سفارش نیز نمی دهم.

شما مدیران خویش را خود تعیین و پیشنهاد کنید؛ زیرا من از شما کار می خواهم و اگر مدیری را من تعیین کرده باشم، در جواب خواهید گفت: مدیر یک فرد مورد نظر شما است و از من اطاعت نمی کند...

هرگاه مدیران را پیشنهاد و با موافقهٔ من و مقامات تعیین کردید، لطفاً مامورین شعبه تعیین نکنید. بگذارید مامورین را مدیران تعیین کنند و کار به اهل آن سپرده شود.

مولانا فایز، در ریاست فرهنگی یک موتر مستعمل که از اتحاد هفتگانه به سهم جمعیت رسیده بود، در اختیار داشت. یک بار مقام رهبری از او خواست، موتری بهتری را در نظر بگیرد اما مولانا فایز با ابراز تشکر از لطف مقام رهبری گفت: موتر من قابل استفاده است و من نمی خواهم از بیت المال موتر جدید بخرم!

بعدها اطلاع یافتیم که رئیس ما (فایز صاحب) از بخش فرهنگی معاش نمی گیرد و محترم مالک نورخان معتمد مالی به ما حکایت کرد. زمانی که در شورای فرهنگی از ایشان پرسیدم در جواب گفت: من از محل دیگر (دارالافتاء) معاش دارم و برای من کفایت می کند، پس لازم نیست تا از بیت المال معاش خود را دریافت کنم!

او درحالی که رئیس بود، همواره با مامورین کمک می کرد، حتی با حروف چین ها کمک و همکاری می کرد و می گفت: کارمن در حروف چینی بوده و در مطبعه و موسسهٔ نشراتی در کابل پروف خوانی نیز می کردم!

بعد از انحلال اتحاد، مولانا فایز، همه اعضای شورای فرهنگی آن اتحاد را به منزل خویش دعوت کرد و از پول امانت که نزد او مانده بود، یادآوری نمود. او گفت که در ریاست انجینر احمد شاه احمدزی به حیث رئیس مالی اتحاد به تعداد یازده یا سیزده صد هزار روپیه به نام فرهنگی وجود دارد و هیچ فردی از این موضوع اطلاع و آگاهی ندارد... این پول به نام من در یک بانک محفوظ است. شما نماینده های تنظیم ها که اینجا جمع شده اید، نظر دهید که پول مذکور را چه کار کنم؟ آیا به تنظیم ها بسپارم؟ یا یک کار فرهنگی مانند چاپ تفاسیر یا احادیث را آغاز کنم؟

همه برادران به موضوع دوم فیصله کردند و وقت خواستند... یک محلی در ارباب رود پشاور در نظر گرفته شد و این بحث ها و جلسات ماه ها به طول انجامید... مولانا فایز یک روز به برادران شدیداً گوشزد کرد که تا یک ماه دیگر وقت دارید، فیصله کنید ورنه من پول مذکور را طبق سهمیهٔ اتحاد به رهبران تنظیم ها می فرستم... پس از سپری شدن موعد، مولانا فایز، بنده را خواست و دستور داد که مکاتیب را عنوانی رهبران هفت تنظیم بنویسم و حاضر نمایم. من استاد پوهنتون دعوت و جهاد و همچنان مدیر محصلین آن بودم. مکاتب را در کامپیوتر دفتر تایپ و به حضور فایز صاحب آوردم. ایشان مکتوب ها را امضاء کردند و مکتوب جمعیت را بدستم داد و گفت: نزد استاد ربانی برو و مکتوب را بسپار و سهم جمعیت را که در مکتوب نوشته شده نیز به دستم داد...

در راه از منزل فایز صاحب تا خانهٔ ما، مرحوم مولوی میرحمزه و مرحوم استاد مشفق را دیدم و از این خبر تعجب کردم و به امانت فایز صاحب آفرین ها گفتند. من نامه و امانت را خدمت رهبر عالیقدر رسانیدم..

مولانا فایز در همه و اکثر جلسات حضور می یافت و با اعضای شورای فرهنگی جمعیت مشوره ها می کرد. او به فیصله ها جداً عمل می نمود.

او روزی نزد من به دفتر ما (آمریت تالیف و ترجمه) آمد و در مورد یک مطلب سخن گفت، من به ایشان عرض کردم، هرگاه امری و خدمت بوده است من را نزد خود فرا می خواندید و به آمدن جناب عالی ضرورت نبود؛ ایشان گفتند: یکی از مجاهدین، از ولایت وردک برگشته و با خانواده مهمان من است. او فرد باسواد و لایقی است، باید مقرر شود و من فکر کردم در تالیف و ترجمه می تواند خدمت کند.... گفتم مقرر می کردید و تشریف آوری شما نزد من به چی معنا است؟ گفتند: من در شورای فرهنگی وعده کرده بودم که مدیران و ماموران را من تعیین نمی کنم و این صلاحیت را به شما داده بودم. پس من به خاطر وفا به عهد نزد تو آمده ام و هرگاه لزوم بدانید فرد مذکور را پس از امتحان مقرر کنی! من به حیثیت و شرافت مولانا فایز بسیار آفرین و شاد باش گفتم و با ملاحظهٔ همه خوبی ها در گذشته، این بار صداقت او را و وفای او را به تعهداتش، بازهم آفرین گفتم.

پس از پایان جهاد و تشکیل حکومت مجاهدین، فایز صاحب به حیث وزیر حج و اوقاف و رئیس سره میاشت تعیین شد که خدمات شان ماندگار است.

زمانی که به حیث رئیس دارالانشای جمعیت اسلامی، در مورد کنگرهٔ جمعیت با جناب رهبر شهید ما صحبت می کردیم پیشنهاد کردم که افراد مهم ما در سطوح بالای جمعیت – منجمله از آقای سید نورالله عماد و آقای فایز نام گرفتم – باید در جلسه نخست کنگره دعوت و از نظریات شان استفاده شود. رهبر ما در جواب گفت: این ها از ریش سفیدان ما استند وجود و حضور شان در کنگرهٔ جمعیت لازمی است. من این حکایت را همان روز ها به مولانا فایز گفتم و ایشان با دعای صحت و سلامت رهبری، گفتند: استاد ما چقدر حلیم و مهربان اند. ما که نتوانسته ایم به حضور شان برسیم، اما این قدر مشفق و مهربان اند که ما را از ریش سفید های جمعیت می دانند و باز هم دعا کردند... من در روز خیرات در مزار رهبر شهید، بازهم فایز صاحب را دیدم و با اشاره به من گفت: سر را تکان می داد و اظهار ناراحتی می کرد، من هرقدر تلاش کردم تا دلیل ناراحتی خود را بگوید، ولی نگفت... و در روز عید سعید فطر سال گذشته به همرای پسرم مصدق فقیری به منزل فایز صاحب رفتیم و داکتر عبدالرحمن اکبری و دیگران نیز حاضر بودند، فایز صاحب بسیار رنجور و از پا افتاده بودند ولی هربار به عزت مهمانان، تلاش در بلند شدن می کردند... از دیدن ما بسیار خوش و خندان بود و هرلحظه دعا می کرد.

خداوند متعال روح پاک و بی آلایش او را در جوار رحمت خویش جا دهد.



رویکرد نوستالژیک در سروده های بهاری استاد خلیلی

□ عبدالقیوم ملکزاد

چکیده:
اینک نسخهٔ گردون باز از کُنهگی ها ورق گشتانده و هستی شاهد ورود فصل زیبا و فرحبخش بهاری شده است. آری! بهار، فصل سرزندگی طبیعت و برآمدن گل ها و خندیدن شگوفه های رنگارنگ و عهد درخشندگی خیره کنندهٔ ریاحین و سبزه ها...، که درعین حال فصل جوشش طبع شعرا نیز قلمداد شده و"عناصر آن در ادب فارسی، [به ویژه] در آثار دوره هایی که از آن به سبک خراسانی یاد می شود، صورتی حسی و کاملاً عینی دارد."

بهار به عنوان فصل نو زایی و شکوفایی طبیعت، و حاشیه های بهار، از مکرر ترین سوژه هایی است که هر شاعر به فرا خور حال خود و سلایق مختلفی که دارا می باشد، بر زنده شدن طبیعت و به رخ کشیدن زیبایی های آن، پرداخته است.
دلیل اینکه شاعران نسبت به هر فصل دیگر به بهار بیشتر توجه داشته اند، این است که فصل یاد شده، یاد آور رستاخیز و لحظهٔ زایش و درک جمال الهی است؛ از همین رهگذر، از اهمیت ویژه یی برخوردار می باشد.
در این نوشته از دو گونه شعر بهاری استاد خلیل الله خلیلی سخن گفته ایم: یکی- از جلوهٔ بهار قبل کودتای هفتم ثور ۱۳۵۷ کمونست ها در افغانستان؛ و دیگری بهار بعد از کودتا و یورش ارتش سرخ دراین دیار، که از هر دو بوی نوستالژی – پدیده یی که در مورد آن نیز اشاره خواهیم داشت – به مشام می آید. اما در بهاریه هایی که استاد خلیل الله خلیلی، بعد از کودتای ننگین ثور و اشغال کشور به وسیلهٔ روسها، انشاد کرده، این حس (حس نوستالژی نسبت به بهار) بیشتر و به صورت گسترده تر، پدیدار می باشد.

جلوهٔ بهاران قبل از به قدرت رسیدن کمونیستان:

اینک باز سخن از میر عرصهٔ ادب (استاد خلیلی) است. آنکه او از بهاران فراوان گفته و زمانی بهار را پیام آور عشق و رویش و موسم سرور و آشتی و یکی از با شکوه ترین جلوه های خدا در جهان هستی وانمود می کرد و می گفت:

"بهار مهربان چون مادرم بود
چمن گهواره، گلها بسترم بود
نسیم روح بخش افسانه می گفت
گه از خویش و گه از بیگانه می گفت"

این شعر که بیان یک خاطرهٔ خوب از بهاران گذشته است، از مطلع (شب دوشین چه وقت خرمی بود / جدا از عالم ما عالمی بود) تا مقطعش، بوی خاطره می تراود که همان نوستالژی است.
ویژه آنگاه که می گوید:

"بود یادم که در فصل بهاری
خجسته موسمی، خوش روزگاری
میان لاله و گل جای من بود
به آغوش چمن مأوای من بود."

مومی الیه در مثنوی یاد شده، از آن فصل خُرمی، تصویر زیبایی ارائه داده است. تصویری که بیانگر وضعیت مطلوبی بوده و سزاوار براین که گفته آید:

"نو بهار امسال بوی یار داشت
از دمش روح و روان خواهم گرفت."

و درخور استقبال که بهاران در آن روزگار، عاری از درد و اندوه و بی ثباتی بود؛ فصلی که ازآن، شاد روان خلیلی اوصافی چنین ارائه داده:

"افق بودی چنان رخشنده از دور
که از گلزار جنت خندهٔ حور
به روی سنگ ها غلتیدن رود
خروشان و نوا سنج و کف آلود."

از نظر استاد، روزگار قبل از اشغال کشور به دست تجاوزگران روسی، عهد خجسته یی بوده که وی گویی در آرمان شهر خود می زیسته. چنانچه خودش از آن روز ها به حسرت یاد می کند.
"آرمان شهر، جامعه یی است که در آنجا مردم در رستگاری کامل زندگی می کنند و هیچ اثری از رنج، اندوه و بیماری و امثال آن نیست."
به سر بردن با دوستان، از ویژه گی های دیگر آرمان شهر است.
لذا استاد از همان روز ها به حسرت یاد می کند که بهارش طرب آفرین تر از هر زمان دیگر بود. بهاری که با حلول آن با دوستان همراه با شوق و شور و شعف فراوان استقبال می گردید. اما حالا با تاثر می گوید:

"دریغا زان خجسته روزگاران
دریغا زان وفا داران و یاران..."

بهار و تأثّر برخاسته از محرومیت:

دراین سطور از دو نوع رویکرد نوستالژیک در پیوند با بهار سخن خواهد رفت. یکی: بهاری که با آمدنش در وطن، جلوه یی از طرب و شادابی و فرحبخشی به مشاهده می رسیده، اما شاعر در چنین یک فصل از مشاهده بهار وطن و زیبایی ها و خرمی های روان پرور آن، بنا به عوامل مختلف محروم است و این محرومیت ناشی از دوری وطن و یا گرفتار شدن در چنگ غربت را نمی توان، به صورت حتمی و یا خواهی نخواهی به دلیل ناسازگاری با نظام وقت و یا شرایط سیاسی تلقی نمود؛ بلکه بنا بر ضرورت و آنهم غالباً به اساس اراده و رغبت و نیاز زندگی خود شاعر انجام می گیرد.
عامل دیگر اینکه: دوری از وطن به دلیل مشکلات سیاسی و اجتماعی و احیاناً اقتصادی و یا به سبب تبعید و دوری از یار و دیار با اعمال جبر و اکراه متحقق می گردد. برای مشکلات سیاسی، می توان حاکمیت رژیم کمونیستی و یورش ارتش سرخ در افغانستان را مثال زد. با ایجاد چنین رویداد ناگوار، شُعرایی چون استاد خلیلی، هزگز نخواستند مجال آن را بر خود میسر بینند تا با نظام الحادی سازش کنند و حاکمیت گروه های هرزه و به قول خودش "مشتی سفیه کالانعام" و جنایت پیشه را به تماشا بنشینند و بدین ترتیب هنگام تحویل سال و تغییر طبیعت، آمدن بهار را در سرزمین شان با بی تفاوتی شاهد باشند! اکنون از بهاری گفته آییم که استاد خلیلی شاهد آمدن آن از نزدیک نبوده است، بلکه به حکم ماموریتی که در آن اشتغال داشت، در سرزمینی به سر می برد که آنجا نشانی از حضور بهار و گوارایی هوا و وزش نسیم روح پرور و خندهٔ گل و نغمهٔ بلبل و...، به نظر نمی رسید. نظیر قصیدهٔ " نوبهار در جده" که در ماه ثور۱۳۴۶ در شهر "جد" انشاد گردیده است. استاد دران دیار ازاین آگاهی دارد که در وطنش بهار آمده، ولی علایمش در سرزمین متوقف فیها، به ظهور نرسیده. آنجا نه آبی از سحاب می چکد ونه هم غنچه یی بر شاخ می خندد و نه هم باغی است که باغبان از سر لطف دروازه آن را به روی دیگران بکشاید و نه هم صدای مرغ خوش الحانی می رسد که گوش ها را نوازش دهد.
هرگاه به شرح همه ابیات شعر یاد شده، پرداخته شود، سخن به درازا خواهد کشید. لذا بهتر آن خواهد بود که از میان آن قصیدهٔ بیست وهشت بیتی، ابیاتی را که دلیلی برای آنچه اشاره داشتیم باشد، برگزینیم و متعاقباً در پی ارائه سروده های دیگری ازاین دست بپردازیم:

" نو بهار آمد و آبی ز سحابی نچکید
غنچه بر شاخ نخندید و نسیمی نوزید
باغبان صبح به رحمت در باغی نکشود
مرغ حق شب به چمن ناله زاری نکشید
روز ها گوش به آواز نشستیم و دریغ
یک صدا این دل شوریده ز جایی نشنید
لاله در محفل کهسار نیفروخت چراغ
فرش در صحنهٔ گلزار نگسترد خوید."

این تأثر زمانی بیشتر دامن می گسترد که برای شاعر خبر می آورند: در کوی و برزن و باغ و دمن دیارش نوبهار ره کشوده و با رنگ و بوی دلپذیر و طرب آوری به جلوه پرداخته و دوستانش به گونهٔ سال های گذشته، در زیر سایهٔ بید، یکجا گردهم می آیند و با هم بساط نشاط و طرب می گسترند! ولی در جمع آنها خود استاد دیده نمی شود.
اینهم ابیاتی به اشاره به نوبهار وطن، در همان نشیده:

"ای خوش آن خاک که صحنش چو زمرد شده سبز
کوهسارش همه از برف، سپید است، سپید
نو بهار است و نشاط است و حریفان جمع اند
سایهٔ روشن شان سایهٔ بید است و نبید
آسمانی است کنون باغ، همه اختر و مه
بس که الوان شکوفه شده بر شاخ پدید
کوه از لاله و گل گشته چو طاووس بهشت
این قدر هست که طاووس وش از جا نپرید.

با این تصویر سازی غمگینانه از بهار، احساس دلتنگی استاد اوج می گیرد و غبار نوستالژی از سراپای وجودش بیرون می ریزد و در حسرت آن می افتد که هنگام آمدن بهاران، در آغوش وطن می بوده و به استقبال این فصل شکوفه زا می شتافته، فصلی که مشعل شوق را در سینه اش می تابانده؛ در سینهٔ کسی که دروازهٔ خانه اش همواره به روی عزیزانش باز بوده و گلشن خلوت وی در همه وقت، بزمگهٔ یارانش می شده. دوستانی که بسی درآن آمد و شد داشتند و بزم های طرب و خاطره زایی می آراستند. دوستانی که به گفتهٔ خودش، همه روشندل و صاحب مشرب بودند و سرورانی همه صاحب نظر و صاحب دید... که سخنان شان بیشتر در محور این فصل فرحبخش می چرخیده و نقل غزلیاتی از حافظ و بیدل و مولانا و شاعران دیگر در باب بهار...! چنانچه می گوید:

"یاد باد آن که چو خورشید بهاری می تافت،
مشعل شوق در اعماق دلم می تابید
گلشن خلوت من بزمگهٔ یاران بود
داشت در، لیک درآن بود نه قفل و نه کلید."

دراین غم سروده دیده می شود که استاد هم در چنگ حسرت بی بهاری افتاده و هم در اندوه مفارقت از عزیزان و دوستانش که همیشه با وی محشور بوده اند؛ بدین ترتیب فصل نو، یاد آور خاطره هایی شده که اکنون در حسرت آن از ژرفای دل می موید و در دل گریه های سوزناک به یاد جوانی اش می افتد:

"شادم از حافظه کاین مونس دیرین از لطف
کرد پیرانه سرم یاد جوانی تجدید
معجز آسا به هم آورد به مرآت خیال
ماضی و حال وغم و شادی و یأس و امید."

آری، بهار در روزگار گذشته استاد و همه آنانی که به گونهٔ وی می اندیشیدند...، اینچنینی بود. بهاری که در آن:

"زمین گویی سپهر دیگری بود
سپهری پر ز ماه و اختری بود
میان شاخ ها مرغان شبخیز
بر آوردی صدا های دلاویز."

صدا هایی که وی از طفلی به آنها انس و الفت داشت و دلداده و شیدای آن بود و به یادش می آمد که با خجسته موسمی سر و کار داشته به نام بهار و زندگی اش با طرب انگیزترین روزگاری قرین بوده درآن عهد پار؛ عهدی که شاعر به اسلوبی دلپذیر به وصف آن پرداخته و این هم نمونه های دیگری از مثنوی موسوم به "یک شب بهاری و سرود عشق":

"بود یادم که در فصل بهاری
خجسته موسمی، خوش روزگاری
شبی اندر کنار دایه بودم
به مرغان چمن همسایه بودم
میان لاله و گل جای من بود
به آغوش چمن ماوای من بود."

در این جا به نقل ابیاتی از دو غزل استاد مبادرت می ورزیم که از محتوای آنها بر می آید، گویا شاعر، آن ها را هنگام حاکمیت رژیم کمونستی و اشغال کشور به وسیلهٔ ارتش سرخ انشاد کرده، در حالی که چنین نیست. بلکه این سروده ها قبل از کودتای یاد شده، از بیاض به سواد آمده اند.
یکی از این غزل ها "غبارغم" نام دارد و دیگری "دور از یار و دیار" که استاد خلیلی آن را با الهام از ناسازگاری محیط و به دلیل مخالفتش با برخی از مسوولین دولتی و مساعد نبودن شرایط نسبت به خودش، به دست خامه سپرده. و این بدان معناست که زندگی شاعر ماتمسرای ما، با فراز و فرود های زیادی سپری گردیده. یکی ازآن فرود ها و یا رویداد های ناخوشایند و ناگوار، همانا تحمیل ماموریت تبعید گونه برای وی است. نظیر گماشته شدن این "شاعر شکر شکن" در موسسهٔ قندسازی قندهار و یا تحمیل زندانی ها به وی در زمان سردار محمد هاشم خان، که حتی پس از آزادی از حبس نیز دیده می شود که نامبرده یکی از مغضوبین حکومت شناخته می شود. شرایطی که استاد مجبور می شود تا از آنها، اندوه خود را با آمدن بهار اینگونه باز گو نماید:

"دراین بهار در خرمی چنان بستند
که راه خنده به گلهای بوستان بستند."

«شاملو» می گوید: "وقتی افراد در دورانی از خود زندگی خود با موانعی رو به رو می شوند یا سلامتی شان به خطر می افتد یا به پیری می رسند، اولین واکنش آنها راهی برای گریزاست. اما در بسیاری اوقات اگر در واقعیت عینی، راهی برای گریز پیدا نکنند، آرزوی گذشته را دارند که در آن زندگی پرشکوهی داشتند." بناءً به مصداق گفتهٔ »دکتر باقری نیا«، نوستالژی به رؤیایی گفته می شود که از دوران گذشتهٔ پر اقتدار نشأت می گیرد. گذشته یی که دیگر وجود ندارد و باز سازی آن ممکن نیست."
در چنین موارد است توجه انسان ها خاصه توجهٔ شاعران معاصر نسبت به بهار، بیشترینه توأم می باشد با درد و دریغ بسیار و شِکوه از اوضاع و شرایط اختناق آور به صورت دوام دار!
استاد خلیلی نیز یکی از همان سخنورانی است که سروده های غمناک و یاس آلودی از اوضاع نا مطلوب روزگار خود دارد و درقالب انشاد سروده های بهاری، عمدتاً به انعکاس درد و دریغ آمیخته با آه و اشک مبادرت می ورزد.
این گونه رویکرد، روح اندوه و نومیدی و حس نوستالژی در رابطه با بهار در روزگاری که وضعیت حاکم در دیار وفق مراد نیست، بیشتر نمودار است، تا فضای طبیعت. زیرا، به قول محمد کاظم کاظمی، "در عصر حاضر وابستگی انسان به آن (طبیعت) کمتر شده است و هم بسیاری از انسان ها در سرد ترین فصل سال نیز از مواهب طبیعت و تفریحات بیرونی و خانگی برخوردارند."
و به قول دیگر نویسندهٔ یاد شده، "در شعر افغانستان، نگاه به بهار از این هم یأس آمیز تر بوده است."
زیرا، جنگ های ویرانگر و مشکلات عدیدهٔ ناشی از آنها، چنان روان سخنوران از جمله سخنسرای بزرگ کشور (استاد خلیلی) را تحت فشار قرار داده که در شعرش نسبت به آمدن بهار، جز بوی یأس چیز دیگری به مشام نمی آید. به گونه یی که نیامدن بهار بهتر است از آمدن آن، خاصه در کشوری که مصائب آن بی شمار و نا محدود است:

"گویید به نوروز که امسال نیاید
در کشور خونین کفنان ره نکشاید.

غزل دور از یار و دیار" که درسال (۱۳۴۰) سروده شده، احتمالاً زمانی گفته آمده که وی در تبعید به سر می برده. چنانچه عنوان شعر، نیز بیانگر همین مطلب است. استاد دراین روزگار شاهد رسیدن بهاری است که جان افزا نیست و به گونهٔ گذشته از زیبایی برخوردار نمی باشد و سایر اوصافی که در یک بهار فرحبخش باید به مشاهده آید، دیده نمی شود. توجه کنیم:

ص۷

جشن جمشیدی نوروز
یادگار میراث نیاکان ما

عبدالعلی کوهی/استاد دانشگاه کابل

جشن نوروز پیش از آنکه یک رویدادی تقویمی باشد، یک مراسم خوش آیند، نشاط انگیز و از مواریث کهن فرهنگی سرزمین ما است. جشن نوروز از تعداد آن گونه میراث های است که در میان مردم همبستگی و یک رنگی می آفریند. بسیاری از مراسم در کشور ما محلی است و مردم محل را به هم پیوند می دهد و مراسمی دیگری نیز وجود دارد که شامل منطقه و کشورها می گردد، جشن نوروز از همین گونه مراسم منطقه یی است که مردمان کشور ما را با مردمان زیادی؛ همچون: ازبیکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، آذربایجان، ایران، پاکستان، هند، ترکیه و سایر مردمان جهان پیوند می دهد.

جشن نوروز از کهن ترین مراسمی است که در سرزمین های آسیای میانه و آریانای قبل از اسلام و خراسان پس از اسلام زنده و جاوید مانده است. پرسش های از این گونه که این جشن از چی زمانی آغاز شده است، ارائهٔ پاسخ دقیق غیر ممکن است. دانشمندان زیادی در مورد این روز و این جشن سخن گفته اند؛ شخصیت های چون: بلعمی، بیرونی، عمرخیام، عبدالحی گردیزی، فرزانهٔ طوس فردوسی و از معاصران چون: جاوید و دیگران و .... این دانشمندان به اتفاق باور دارند که جمشید فرمانروای پیشدادی بلخ آغازگری جشن نوروز می باشد. در دوران پس از اسلام شاهان سامانی، غزنوی، خلفای عباسی، سلاطین عثمانی در آسیای صغیر، تیموریان هرات و دربار بابری های هند در دهلی از نوروز تجلیل و برزگداشت می نمودند، که بر عظمیت این روز می افزاید، واژهٔ نوروز در سروده های شاعران عرب فراوان وجود دارد، مانند این بیت:

و قد نبأ النیروز فی غسق الدجی
اوائل ورد کنأ بالامس نوما

(نوروز در تاریکی های شب فرا رسید و آغاز روئیدن لاله است که قبلاً در خواب بوده است)

نظر به اهمیت منطقه یی نوروز یونسکو (سازمان علمی و فرهنگی) در سال ۱۳۸۸ نوروز را به رسمیت شناخت و از جمله مواریث فرهنگی جهان به حساب آورد. پس از به رسمیت شناختن این جشن جهانی، کشور های حوزهٔ نوروز همه ساله این جشن را میزبانی می نمایند، کشور ایران نخستین و دومین میزبان این جشن جهانی بود. جشن جهانی نوروز در سال ۱۳۹۱ هجری در شهر دوشنبهٔ تاجیکستان برگزار گردید، در سال ۱۳۹۲ عشق آباد ترکمنستان میزبان این جشن جهانی بود و جشن جهانی نوروز در سال ۱۳۹۳ در کابل بر گزار گردید و دولت افغانستان برای برگزاری



جشن نوروز تپهٔ پغمان را آمادهٔ این مراسم سران کشور های حوزهٔ نوروز نمود که نظر به دلایل امنیتی این مراسم در ارگ برگزار گردید که در آن سران برخی از کشور های منطقه از جمله: ایران، پاکستان و تاجیکستان اشتراک ورزیدند. اما در نوروز امسال -۱۳۹۴- کشوری آمادگی برای نوروز نگرفته است.

نوروز نماد رستاخیز خلقت و آغاز بیداری و تلاش انسان ها برای زیستن است. با ظهور آیین مطهر اسلام برای مشروعیت بخشیدن این روز روایت های اسلامی بکار رفته است. از جمله این روایت ها ؛ چون:

در این روز ابراهیم علیه السلام بت ها را به هم کوبید، در این روز آدم آفریده شد. در این روز کشتی نوح به کوه جودی استقرار یافت. در این روز رسول اکرم صلی الله علیه و سلم بت های کعبه را در هم کوبید، در این روز علی کرم الله وجهه به خلافت رسید. در این روز حضرت عیسی علی السلام به پیامبری برگزیده شد و غیره.

جشن نوروز در افغانستان با بر افراشتن جهنده شاه ولایتمآب با تشریفات خاص در بیت الشرف بلخ بر گزار می گردد و تا چهل روز ادامه می یابد. زائرین از داخل و خارج کشور به این دیار روی می آورند و از بارگاه ملکوتی خلیفهٔ چهارم اسلام از بارگاه خداوند طالب استرحام و خیر و برکت می شوند. شاعران در خصوص روضهٔ شاه ولایتمآب سروده های زیادی دارند؛ مانند:

نوروز شد و جمله جهان گشت معطر
تا بویْ خوش لاله و نسرین صنوبر
بر تخت خلافت بنشست آن شاه ابرار
داماد نبی شیر خدا ساقی کوثر

و یا:

نوروز رسید عید اکبر گردید
بر گرد سر ساقی کوثر گردید
امروز علی نشست بر تخت نبی
زان است که روز و شب برابر گردید

نوروز از جشن های مهمی آریایی های است و از اعیاد خجسته اغلب ملل خاور زمین به شمار آمده است. امروز نوروز جشن ملی کشور های حوزهٔ نوروز و نماد هم بستگی اقوام و ملت های این سرزمین های می باشد. در متن تصویب شده یی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد نوروز آمده است: (نوروز جشنی است با ریشهٔ آریایی و با قدمت سه هزار ساله که امروز بیش از دو صد میلیون انسان آن را تجلیل می نماید) نوروز در افغانستان مطلق به همه اقوام و مردمان این سرزمین است و این روز در همه ولایات و نزد همه اقوام مورد احترام است. نوروز به عنوان آغاز تجدید حیات، آغاز کار و فعالیت، پاکی و نظافت از خانواده و محیط آغاز می یابد. نوروز جشن دهقان، جشن کار و جشن نو شدن است. انسان ها می کوشند با شروع سال نو برنامه های سال پیش رو را ترتیب و عملی سازند و آمدن نوروز برای انسان ها امید به زنده گی می بخشد. جشن نوروز بر لبان مردمان خسته از زنده گی را تبسم می بخشد.

بسیاری از فرهنگ شفاهی ما متعلق به نوروز می باشد. هیچکس در افغانستان وجود ندارد که شعری و سروده یی به ارتباط نوروز به یاد نداشته باشد، مانند چنین ابیات که در روز نوروز بر لب ها جاری می گردد:

نو روز شد و لاله خوش رنگ برآمد
دود دل من از قفس تنگ برآمد

نوی کال او نوې هیلې

رفیق بحر

تېر شمسي کال، چې له څه کم درې میاشتې مودې پرته پاتې نور د میلادي کال سره برابر وو، د لویدیځو رسنیو د هغو تبلیغاتو له مخې چې په اړه یې کېدل. د افغان ولس لپاره ډېر خونړی نه وو. خو بیا هم افغان امنیتي ارگانونو ته د نظامي واک د لیږد د پروسې بشپړېدو سره سره، نا امنیو شتون درلوده او یو شمیر خونړۍ پیښې پکې رامینځته شوې، چې پدې لړ کې د پکتیکا د یحیی خیلو پیښې سربېره په بدخشان ولایت کې د مخالفینو څواکمنتیا او زابل او هلمند ولایتونو کې د نا امنۍ گڼې پیښې او هم په پلازمینه کابل کې ځینې پیښې د یادونې وړ دي؛ چې اصلي لامل یې په همدې کال د نوي ولسمشر د رامینځته کېدو سره له امریکا سره د امنیتي تړون لاسلیک کول، د ولسمشرۍ د ټاکنو پایله پکې جنجالي کیدل، او د ملي وحدت حکومت په رامینځته کېدو سره پکې له آساسي قانون څخه څرگند مخالفت او هم د ولایتي شوراگانو څخه د نظارت حق د ولسي جرگې د پریکړې له مخې اخستل کیدل او د کابینې شپږ میاشتنۍ ځنډ او لا تر دا مهاله له دریمې برخې پرته د نورې کابینې نه ټاکل کیدل. هغه څه وو چې د افغان دولت سیاسي موقعیت یې خراب کړ.

په کنړ ولایت باندې د پاکستاني راکټونو مسلسل بریدونه پکې وروسته له هغې ودریدل چې له یوې خوا د سیمې خلکو د وسله والو مخالفینو پر خلاف ملي پاڅون، لکه د غزني ولایت د خلکو په څېر، اعلان کړ خو د مهاجرینو لپاره یې وروستۍ دوه درې میاشتې یو بل ناورین وو چې ورڅخه وځوریدل

نوی کال پداسې شرایطو کې پیلیږي چې افغان دولت پکې د جگړې دوام او د کابینې ځنډ دوه عمده گواښونه په وړاندې لري او هم د افغان دولت د وسله والو مخالفینو (طالبانو) سره د سولې مذاکرات زمزمه کیږي؛ ځکه د پاکستاني دولت لخوا پر هغوی باندې د خپلو طالبانو د فشار زیاتوالي او په پېښور کې د ورسک په سرک کې یو پوځي ښوونځي باندې برید په نتیجه کې د زیاتو تلفاتو ورکولو لامله پاکستان دې ته تیاري ښودلې چې افغان دولت سره د سولې د هڅو پر مخ بیولو کې مرسته وکړي.

خو ورسره د داعش په نوم د نوي خوځښت رامینځته کیدل یو بل گواښ دی چې د سولې هڅه یې د افغانانو لپاره د اغزو په منځ کې راگیرې میوې په توگه گرځولې ده او لامله یې د پاکستان په نوې اراده افغانان د زړه له کومې باور نشي کولاې او په افغانستان کې د داعش په خپریدو او د ځینو قوماندانانو یې په وژل کیدو سره د افغان دولت لخوا د داعش په نوم گواښ باندې اعتراف سره مل.

افغانان د اندېښنو او هیلو سره یو ځاې له زاړه کال څخه نوي کال ته داخلیږي او د سولې هڅو ته لیوالتیا د خپلې ورکې د پیدا کولو لپاره یو طلایي چانس گڼي. چې ښایې په صداقت سره قدم اوچتولو کې د سولې له میوې څخه برخمن شي او د جگړو په هغه ناورین کې کمی راشي چې په افغان ولس یې د خپسې په څیر خپلې منگولې ټینگې کړې دي.

مگر هغه څه چې د سولې د هڅو په کامیابولو کې مؤثر رول لري هغه تر ټولو زیات د دولت او وسله والو مخالفینو یو بل ته د تنازل اصل اختیارول دي، څو د خپلمنځي باور په رامینځته کېدو سره سوله یقیني شي. او پدې ترتیب له هغه احتمالي گواښ څخه افغانستان وژغورل شي ې د داعش په نوم د سیمې لپاره نوی جنگیالی خوځښت یې له خانه سره لري؛ ځکه که څه هم د داعش لپاره افغانستان په فکري توگه مناسبه خاوره نده او د افغانانو ایډیالوژیک او عقیدوي اختلاف د داعش د جنگیالیو لپاره یو ځنډ گرځیداې شي مگر د داعش گڼ توکمیز جوړښت او د تجهیزاتي او مالي امکاناتو پر اخوالي او ډیرښت بیا هغه څه دي چې د امنیتي تړون شتون په څیر ورته انگیزه برابرولی شي او کیداې شي د پاکستان د هڅو سره سره د وسله والو مخالفینو ډیره برخه د داعش جنگیالیو سره یوځاې شي لکه چې په ډیرو سیمو کې د سپین بیرغ پر ځاې د تور بیرغ پورته کولو عمل دا ونبوده.

او پدې ترتیب داعش د سیمې هیوادونو ته د گواښ پرځاې افغانستان ته هم گواښ شي خو یواځې هغه مهال دغه گواښ کیداې شي او افغانستان یې یوازې د معبر په توگه پاتې کیداې شي چې کله د طالبانو سره د سولې په وړاندې پراته خنډونه لکه امنیتي تړون او د پراخه فساد شتون له مینځه یوړل شي او دواړه لورې د افغانانو کړاوونه او ربړې درک کړي او د زړه له کومې د سولې لپاره د مذاکراتو میز ته راودانگي؛ ځکه د سمبولیک امنیتي تړون په شتون او د امریکا لخوا افغان دولت ته د لازمو نظامي تجهیزاتو نه ورکولو په صورت کې د طالبانو له مینځه وړلو له لیارې افغانستان ته سوله نه راځي او نه طالبان د پاکستان دولت لخوا په مؤقف کې بدلون راتگ سره لدې وروسته کولاې شي خپل مقاومت ته د تېر په څېر دوام ورکړي.

او هم کیداې شي پاکستان د داعش په ملاتړ سره افغان دولت او طالبانو دواړو ته نوی گواښ رامینځته کړي. چې بیا د دواړو لوریو پیښمانتیا به له ورخه تېره شوې اوبو په څېر وي او گټه به بل چا ته رسیدلی وي.

خو ددې لپاره چې دواړه لورې پر یو بل باور پیدا کړي او د سولې د مذاکراتو په نتیجه کې شوو پریکړو ته دواړه لورې ژمن وساتلی شي، په افغانانو کې د یو داسې منځگړې حرکت د راپیدا کیدو اړتیا ده چې د تـوافقانو څخه د سرغړاوي په صورت کې سرغړونکی لورې مجبور کړي او هغه د افغانانو پرته کوم گاونډي هیواد نشي کولاې او نه کوم زبر ځواک.

همدارنگه تراوسه د پوره کابینې نه رامینځته کیدل بل هغه گواښ دی چې ورځ تر بلې افغان ولس په موجوده دولت بې باوره کوي؛ پداسې حال کې چې د تیرو ټاکنو درغلیو او د نتیجې جنجالي کیدلو په ټاکنیزو کمیسیونونو او تکلارو کې نه اصلاح. هم نور د افغانانو باور پورته کړی دی چې په کمیسیون او ټاکنیزو تګلارو کې د برینښنایي تذکرې د ویشلو پرته له یوې خوا دا اعتبار نه راژوندی کیږي او له بلې خوا د ملی وحدت حکومت د مشرانو ترمینځه د موجوده نظام (سیستم) د بدلون په اړه توافق عملي کېدو لپاره هغه جرگه رامینځته کیداې شي چې مقدمه یې د مشرانو جرگې د دریمې برخې غړو (ولسوالیو شوراگانو د نمایندگانو) ټاکل کیدل دي، څو هغه قانوني لویه جرگه متحققه شي چې اساسي قانون یې د مهمو ملي مسایلو په سر د پریکړې لپاره اړینه گڼي.

نو الله دې وکړي چې راروان کال کې په ټاکنیزو کمیسیونونو او اختیاراتو کې اصلاحات رامینځته شي، څو د ولسي جرگې راتلونکو ټاکنو شفافیت تضمین کړي او هم ورسره د مشرانو جرگې د غړو هغه نیمگړتیا پوره شي چې لامله یې تراوسه ددغې جرگې د پریکړو مشروعیت هم له پوښتنې لاندې ساتلی دی او د ډیرو په اند حقوقي ارزښتیا نلري. چې دغه ټولې کړنې د اوسني افغان دولت له چارواکو څخه د سیاسی بصیرت او یو بل ته د تنازل او ایثار غوښتنه کوي.

او همدارنگه د کابینې تکمیل له پاکو څېرو څخه (چې اسلام، ولس او هیواد ته ژمن اوسي) کولاې شي د راتلونکو ټاکنیزو پروگرامونو لپاره په ژمنتیا ښودلو سره د نوي کال لپاره نیک شگون راوټوکوي.

ادامه از صفحهٔ اول

و نخبگان سیاسی جامعه از جزئیات مذاکرات باخبر شوند.

جنرال دوستم در حالی از آغاز مذاکرات صلح سخن می‌گوید که، محمد اشرف غنی رئیس جمهور و عبدالله عبدالله رئیس اجرائیه به واشنگتن رفتند، تا بر سر مسایل مربوطه از جمله چگونه‌گی گفتگوهای صلح با مقامات امریکایی بحث و تبادل نظر نمایند. معاون اول ریاست جمهوری، در سخنرانی نوروزی اش، نسبت به ظهور گروه داعش ابراز نگرانی کرد و گفت که، ظهور این گروه، برای مردم افغانستان بخصوص باشندگان ولایت‌های شمالی کشور، خطرناک خواهد بود. ظهور گروه داعش در برخی از ولایت های جنوبی و مرکزی کشور، با نگرانی های زیادی همراه می باشد. اخیراً این گروه تعداد از هموطنان هزارهٔ ما را به گروگان گرفته اند.

در مراسم بزرگداشت جهنده بالا، عطا محمد نور، سرپرست این ولایت تأکید کرد که دستاوردهای سیزده سال گذشته نباید قربانی گفت و گوهای صلح شود. پیش از این آقای نور، در یک کنفرانس مطبوعاتی گفته بود که در صورت آمدن صلح به افغانستان، او با واگذاری بخش از قدرت به طالبان مشکلی ندارد.

آقای نور رئیس‌اجرائیه جمعیت اسلامی افغانستان خاطر نشان کرد که در مقابل خطرات تروریسم و مافیای مواد مخدر در منطقه ایستاده ایم و در همین راستا، اکنون ۱۰ سال است که کشت مواد مخدر در منطقهٔ تحت حاکمیت وی به صفر رسیده است. عطا محمد نور اذعان داشت: یکی از دلایلی عمدهٔ که نیروهای خارجی‌ها علیه وی دسیسه چینی و توطئه می‌کنند، مسئلهٔ ایستادگی وی در برابر کشت و گسترش مواد مخدر است.

از نوروز و سال نو هجری خورشیدی، تجلیل بعمل آمد



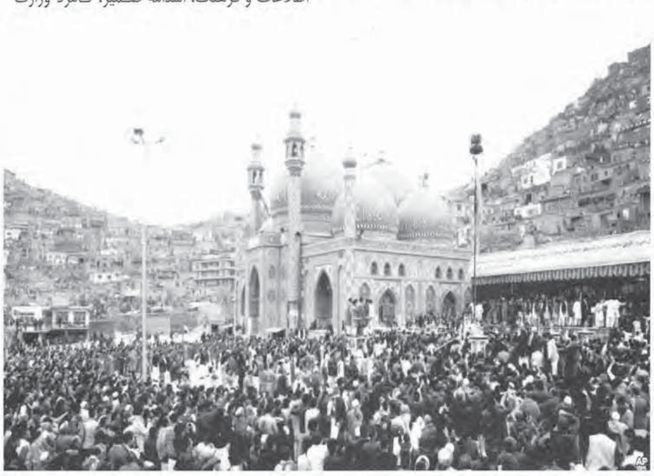
مراسم جهنده بالا در آرامگاه منسوب به حضرت علی کرم الله وجهه در ولایت بلخ

کابل و تجلیل از نوروز

به گزارش خبرنگار مجاهد، جشن باستانی نوروز در شهرکابل با شکوه بیشتر تجلیل شد. باشندگان شهر کابل با رفتن به مناطق مختلف تفریحی نوروز ۱۳۹۴ هجری خورشیدی را تجلیل کردند. این باشندگان که نخستین و دومین روز سال نو را در فضای امن و خوشی سپری کردند، می گویند که تجلیل این روز برای آنان شادی می آورد. راستی هم وقتی به برخی از مناطق شهر رفتیم با حضور کم سابقهٔ مردم نوروز گرامی داشت می شد. باغ بالا، بادام باغ، تپه های مرنجان، وزیر محمد اکبرخان، پارک شهر، باغ بابر، کارتهٔ سخی، بند قرغه، تپهٔ پغمان، شهدای صالحین ... از مراکز عمدهٔ بودند که مردم این جشن باستانی را با شادی جشن گرفتند.

نوروز جشن کهن آریایی

از نوروز همه ساله در کابل و ولایات مختلف کشور تجلیل می شود. در این روز مراسم جهنده بالا در مزاز شریف، کارتهٔ سخی شهر کابل به صورت رسمی برگزار می گردد. روز دوم سال نو به نام روز دهقان مسمی شده است که بیشتر فرآوردهایی زراعتی به نمایش گذاشته می شود. چنانی‌که این مراسم امسال با شکوه بیشتر در بادام باغ از سوی دولت برگزار گردید. لبخند مردم در نوروز وقتی به شهر بروید و به ویژه به مراکز تفریحی همه چیز را نو می بینید. شور و هیجان و لبخند در حالی در چهرهٔ مردم دیده می شود که سال های اخیر خونین ترین سال ها در کشور گفته شده است. اما مردم هیچ گاه امید را از دست نداده اند و به آینده امیدوار به نظر می رسند. همه با هم سال جدید را به فعال نیک می گیرند. شهروندان کشور در حالیکه لباس های نو در تن داشتند و خنده بر لبان شان، از حکومت وحدت ملی می خواهند در بر قراری امنیت تلاش بیشتر نمایند و برای جوانان زمینه هایی کار و اشتغال را فراهم نمایند.



مراسم جهنده بالا در کارتهٔ سخی در کابل

به فرمان رئیس جمهور؛

۱۶ تن نامزد وزیران و ۱۲ تن بعنوان کمیسیون اصلاحات انتخاباتی، معرفی شدند.

معرفی ۱۶ وزیر کابینه

سال نو خورشیدی را مردم در حالی تجلیل می کنند که سران حکومت وحدت ملی در یک سفر رسمی به امریکا رفتند. پیش از سفر به امریکا محمد اشرف غنی، رئیس جمهور ۱۶ وزیر پیشنهادی جدید برای کابینه افغانستان را معرفی کرد. معرفی نامزد وزیران کابینه بر اساس خبرنامهٔ ارگ ریاست جمهوری، همایون رسا، نامزد وزارت تجارت و صنایع، عبدالباری جهانی، نامزد وزارت اطلاعات و فرهنگ، اسدالله ضمیر، نامزد وزارت زراعت و مالداری، محمد گلاب منگل، نامزد وزارت سرحدات و قبایل، محمود بلیغ، نامزد وزارت فواید عامه، عبدالستار مراد، نامزد وزارت اقتصاد، محمدالله بتاش، نامزد وزارت حمل و نقل، اسدالله حنیف بلخی نامزد وزارت معارف و سید سعادت منصور نادری، نامزد وزارت شهرسازی معرفی شده اند. همچنین عبدالبصیر انور، نامزد وزارت عدلیه، عبدالرزاق وحیدی، نامزد وزارت مخابرات و فن‌آوری معلوماتی، دلبر نظری، نامزد وزارت زنان، سلامت عظیمی، نامزد وزارت مبارزه با مواد مخدر، فریده مومند، نامزد وزارت تحصیلات عالی، نسرین اوریاخیل، نامزد وزارت کار، امور اجتماعی و شهدا و علی احمد عثمانی، عنوان نامزد وزارت انرژی و آب معرفی شده اند.

در فهرست اعلام شده تا هنوز هیچ کس به عنون نامزد وزیر وزارت دفاع معرفی نشده است. در این فهرست برای وزارت‌های تحصیلات عالی، زنان، کار و امور اجتماعی و مبارزه با مواد مخدر نامزدان زن معرفی شده‌اند. تا اکنون تنها هشت عضو کابینه از مجلس رأی گرفته‌اند. قراراست نامزد وزیران اعلام شده امروز رسماً از سوی مقامات ارشد دولتی به مجلس معرفی شوند و پس از غور بررسی اسناد و مدارک تحصیلی و شهروندی از سوی مجلس رأی اعتماد یا عدم اعتماد کسب کنند.

معرفی کمیسیون اصلاحات انتخاباتی در یک اقدام دیگر حکومت وحدت ملی

به منظور اصلاحات در تشکیل کمیسیون ویژه اصلاحات انتخاباتی لستی را که در آن نام شماری از افراد به چشم می خورد اعلام کرد. بر اساس خبرنامهٔ ارگ ریاست جمهوری به منظور ایجاد اصلاحات در نظام انتخاباتی، تقویت نظام مردمی، اعادهٔ اعتماد مردم، ایجاد کمیسیون ویژه اصلاحات انتخاباتی را تحت ریاست شکریه بارکزی اعلام نمود. براساس فرمان رئیس جمهور، صدیق‌الله توحیدی به عنوان معاون و علی امیری، عبدالقدیر کریاب، بشیر فاروق، محمد امین احمدی، فیض‌الله ذکی، کاوون کاکر، صبرینا ثاقب، گل احمد مددزی، عزیزالله رفیعی، عبدالمجید غنی‌زاده، معاون وزارت عدلیه، تادامیچی یاموتو، نماینده سازمان ملل به عنوان اعضای این کمیسیون تعیین شده اند. همچنین شاه سلطان عاکفی و وژمه فروغ به عنوان دبیران این کمیسیون تعیین شده اند. در خبرنامهٔ ریاست جمهوری آمده که کمیسیون مؤظف شده، تا فعالیت‌های خود را براساس لایحهٔ کاری که ضمیمهٔ فرمان تشکیل این کمیسیون است، به پیش ببرد. تشکیل کمیسیون اصلاحات یکی از خواسته‌های اصلی متحدان بین‌المللی افغانستان بود که یک روز پیش از سفر سران حکومت وحدت ملی به آمریکا اعلام شده است.

ترهګر ځوك دي؟

زهیر

څو ورځې وړاندې د مصر یوې محکمې د حماس هغه ډله ترهګره اعلان کړه چې د فلسطیني ولس د خپلواکۍ لپاره مبارزه کوي او دغاصبو اسرائیلو څخه د خپل هیواد د آزادۍ په منظور د هغوی تر غاښونو پورې مسلحو هوایي او ځمکنیو ځواکونو سره د مقابلې لپاره لاس او ګریوان دي؛ اسرائیلي غاصب پوځیان یې په خپله خاوره کې بمباروي، په ټانکونو او توپونو یې کورونه هواروي او له ځمکې سره یې برابروي او د غیرتي مسلمانو فلسطینیانو ریښتونی نماینده غورځنګ (دحماس ډله) یې په تېګو، قمچینو او ډېر آرزان بیه توغندیو سره ځواب وایي.

د اسرائیلو لخواد فلسطین اسلامي خاورې له اشغال وروسته د ۱۹۴۸ میلادي کال راهیسې د ملګرو ملتونو لخوا د فلسطیني ولس لپاره د یو خپلواک هیواد په منلو سره پرېکړه لیک کې د فلسطین خاوره د دوې حق ګرځول شوی دی او د بیت المقدس ډېره خاوره د پرېکړې له مخې د فلسطینانو حق دی؛ پداسې حال کې چې فلسطین د تاریخ په اوږدو کې هم د مسلمانانو په لاس کې یوه تاریخي خاوره پاتې شوې ده، خو له هغې راهیسې څو ځلې غاصبو اسرائیلو د فلسطین د خاورې ډېرې برخې ونیولې او په اردن کې د جولان د لوړو او مصر کې د سیناټو ټاپووزمې پورې خاورې هم په ۱۹۶۷ م کې نورې ور زیاتې کړې او د اقصی تاریخي جومات یې هم پخپله قبضه کې ساتلی دی. چې وروسته د مصري واکمن (انور سادات) سره د اسرائیلو د یو ننګیني معاهدې (کامب دیوید تړون) له مخې د سینا برخه مصر ته وسپارلی شوه او په پاتې فلسطین یې د عربي نړۍ او په حقیقت کې د ټولو مسلمانانو په نماینده ګۍ اسرائیلو ته د واک لرلو حق ورکړ. چې د تاریخ په پاڼو کې د مصري واکمن پرته، اردني او سوریې ټولو واکمنانو ددغې تاریخي ربړې په هکله د وخت د زبرځواکونو د غلامۍ جغ په اوږه ورلو سره د مسلمانانو د دوهمې قبلې او انبیاوو ټاټوبې خاورې (فلسطین) د پلورلو مظاهره کړې ده او له کوم مهاله چې د فلسطین د آزادۍ غوښتلو غورځنګ د یاسر عرفات په مشرۍ کې ناتواني جوته شوه؛ چې ښکېلاکګر اسرائیل او د هغوی په شا ولاړه امریکا له غولولو پرته بل څه ورسره نکوي. نو د الانتفاضه هغه غورځنګ د شهید احمد یاسین په قیادت کې رامنځته شو چې اوس د حماس ډله یې سیاسي وارثه ده او د خپلواکۍ لاسته راوړلو لپاره په سیاسي او نظامي دواړو ډګرونو کې مبارزه کوي.

خو عجیبه داده چې د ایران شیعه واکمنان ورڅخه ملاتړ کوي او د عربو تېښداران واکمنان یې نورهم د غلامۍ په زنځیرونو کې د بندولو هڅې کوي؟

د جمال عبدالناصر، انور سادات او حسني مبارک په واکمنیو کې همدغه د فلسطین پلورنې مؤقف نېول کېده او لکه چې انورسادات د کامب دیوید ننګینه معاهده ترسره کړیوه، په ۱۹۹۳ کال کې حسني مبارک د اوسلو تړون لاسلیک کړ چې له مخې یې د فلسطیني ولس ځوان کول ته د جهادي مبارزې انګیزه ورکولو نصاب بدلون غوښته هم شویوه. خو د حماس سره یوازینی خواخوږي لرونکی د الاخون المسلمون ګوند، چې د دسیسو او توطیو له مخې همېش ناقانونه اعلانیږي. کله چې د حسني مبارک دیکتاتور رژیم څخه مصري ولس د خلاصون لپاره د عربي پسرلي څخه د الهام اخستنې په لړ کې ملیوني لاریونونه وویستل او د ولسواکۍ د اصولو له مخې یې د حسني مبارک حکومت نسکور کړ، نو د لومړي ځل لپاره په مصر کې د آزادو ټاکنو له لیارې راغلی مصری واکمن (دکتور مرسي) وو چې د هغه لومړني مصري واکمن حیثیت یې پیداکړ چې د رفح لیار یې فلسطینانو سره پرانستله او د هغوی له حقې داعیې څخه یې ملاتړ اعلان کړ.

خو د ښکېلاک غلامو سعودي او اماراتي واکمنانو په پیسو د امریکا په اشاره دغه د ولسواکۍ له لیارې راغلی رژیم په سیناریویې لاریونونو رنګ کړای شو او چې کله له توري دروازې (کودتا) لیارې څخه السیسي واک واخست نو د اخوانیانو د هغو مظاهرو مخنیوي یې وکړه. چې د ولسواکۍ د اصولو له مخې یې حق لرلو او په سوله ایزه توګه یې د کودتا یې رژیم پرخلاف ویستلې چې پدې لړکې د السیسي دیکتاتور رژیم لخوا دوه زره او شپږسوه بې وسلې لاریون کوونکي، چې پکې ښځې او ماشومان هم شامل وو، شهیدان کړای شو څو د مصري ولس خوله بنده کړي او داسرائیلو سره د ژمنتیا واکمنیو تسلسل بیا رامنځته شي. کوم کار چې لامله یې د سینا ټاپووزمه اوس ناآرامه شویده او علت یې دادی چې د فلسطین سره د رفح لیارې د فلسطینانو پرخلاف چې د نورې نړۍ سره یې یو پول وو. وترله (چې په سږني کال کې یواځې یوځل د درې ورځو لپاره پرانستل شوې وه) او پدې ترتیب یې په لوی لاس خپل ولس د خشونت لیار اختیارولو ته تېل وهلو. او اوس چې یې وخت ناوخته له هغې خوا په امنیتي ځواکونو کله کوم بریدونه ترسره کیږي نو پکې الاخون المسلمون او د حماس ډله پړه ګڼي او له همدې امله خو یې د الاخون المسلمون سیاسي ګوند له مخکې څخه ناقانونه اعلان کړی وو.

اوس یې د حماس هغه غورځنګ هم ترهګره ډله اعلان کړه چې د ټولو عربانو او په حقیقت کې د پراخه اسلامي امت د غېرت جګړه، چې د فلسطین د خپلواکۍ مبارزه ده، پرمخ بیایي؛ ددې پرځای چې د ټول مسلمان امت او عربي ولسونو لپاره د عزت ګټلو دغه مبارزین تحسین شي او وستایل شي، د تالي څټو واکمنانو لخوا د ترهګر بلل کیږي، نو اوس دې د بشري حقوقو آواز پورته کوونکي په ځانګړې توګه او ټول انساني ضمیرونه په عامه توګه ووایي چې ترهګر د حماس ډله ده، که هغه دیکتاتور السیسي دی چې نړۍ ته یې سترګې تیتې شوې او اسلامي امت ته یې هم سترګې ښکته دي؟!!

رویکرد نوستالژیک...

" نوبهار آمد، ولی امسال جان افزا نبود
آن همه زیبا که من می دیدمش، زیبا نبود
دامن رنگین صحرا گرچه بود از لاله سرخ
آن کهن داغی که می جستم دراین صحرا نبود
صد بیابان نرگس شهلا به چشم آمد، ولی
نرگس برگشته مژگان مرا همتا نبود
غنچه خندان، باغ رنگین شد زفیض نوبهار
آن تبسم ها که من می خواستم پیدا نبود"

در سه بیت اخیر، استاد حسرت روزگاری را می خورد که آمدن بهار و رقص گل، دل از دستش می ربود و باد نوروزی، با شاخه ها سر شوخی داشت و شاعر غم های عاشقانه اش را به صورت پنهانی با ماهِ آسمان در میان می گذاشت:

رقص گل در نو بهاران دل ز دستم می ربود
هیچ رامشگر چنان جان پرور و زیبا نبود

استاد و انشاد بهاریه یی در زندان:

در نوشتۀ آغازین این جستار اشاره کرده بودیم که یکی از عوامل بروز نوستالژی، به سر بردن به پشت میله های زندان است.

" آه نیمه شب" یکی از حبسیه های استاد خلیلی است که توسط وی در سال ۱۳۲۴ شمسی در زندان ارگ با زغال در روی دیوار نوشته شده بود. شاعر در این زندان مدت پنج ماه را سپری کرده، طوری که خودش می گوید:

" شد پنج ماه خسته به زندان فتاده ام
قفل است روز وشب، سرم این شوم سرهمی"

دراین سطور به بحث حبسیه نمی پردازیم که موضوع آن به جای دیگری ارائه خواهد شد. زیرا، موضوع گفتار ما بهار است، تا ببینیم که استاد در روز های محبوس بودنش در زندان ارگ– که مصادف بود با آمدن بهار– ازاین درد و اندوه چگونه می موید و در حسرت بهار چگونه درد دل می نماید؟:

" پای نسیم بشکند، آخر چه می فتاد
گر می گرفت یک سحر از من خبر همی؟
گویند نو بهار شد و سبزه سرکشید
گل ها دمید باز به هر بوم و برهمی
گویند آبها شده روشن چو آفتاب

امکانات رسیدن به صلح از سوی...

مشغول ساخته و تحلیلگران محترم این کشور را به ابراز فضل و معلومات در مورد موضوعی که از بنیاد دروغ است، وامی دارد و تعدادی هم از مذاکرات پنهانی با طالبان هشدار می دهند که گویا اشرف غنی در پشت پرده به مذاکرات صلح با طالبان مشغول است.

آی اس آی که نتوانست در مدت از قبل تعیین شده نمایندگان طالبان را به پشت میز مذاکره حاضر نماید اکنون بهانۀ جدیدی را مطرح کرده اند و آن اینکه دلیل این تاخیر اختلاف میان اخترمحمد منصور و ملا ذاکر است! به این معنی که منصور طرفدار مذاکرات و ذاکر مخالف صلح است درحالیکه دو سال قبل که نخستین بار اخباری در مورد این اختلاف به نشر رسید، گفته می شد که اختلاف میان این دو بر سر زنده بودن یا نبودن ملامحمدعمر است!

کسانی که جریان اوضاع را از نزدیک تعقیب می نمایند از جمله رئیس جمهور سابق حامدکرزی، در مورد این احتمال که ممکن است پاکستان بازی جدیدی را آغاز نموده باشد به دولت وحدت ملی هشدار داده بودند. اکنون نشانه هایی از اینکه ممکن است رئیس جمهور اشرف غنی نیز به چنین نتیجه ای رسیده باشد، دیده می شود. سفر سوم اشرف غنی در مدت پنج ماه به عربستان سعودی می تواند به این معنی باشد که رئیس جمهور غنی هم به این نتیجه رسیده و وی نیز نسبت به پاکستان مشکوک شده است. سفر وی می تواند به این منظور صورت گرفته باشد که از سعودی می خواهد تا پاکستان را زیر فشار قرار دهد تا به وعدۀ خود وفا نماید.

همزمان با این سفر، در وزارت خارجۀ افغانستان نیز نشست مشترکی با مقامات چینی برگزار گردید که در آن یکبار دیگر به نقش چین در پروسۀ صلح افغانستان بخصوص به این دلیل که این کشور روی پاکستان نفوذ دارد، تاکید صورت گرفت.

از جانب دیگر سفر رئیس اجرائیۀ حکومت وحدت ملی به هندوستان هرچند به دعوت یک روزنامۀ هندی صورت گرفته است اما درعین حال می تواند نوعی پیام به پاکستان باشد که اگر پاکستان در جهت صلح در افغانستان در وعدۀ خود تخلف نماید، افغانستان هنوزهم گزینۀ دوستی نزدیک با هندوستان را در اختیار دارد.

در شرایطی که افغانستان از پاکستان خواهان برداشتن قدم های عملی در جهت برگزاری مذاکرات صلح با طالبان است، به نظر می رسد که پاکستان در موقعیت نامساعدی قرار گرفته است. مقامات پاکستانی نمی توانند اعتراف کنند که در آوردن طالبان به پشت میز مذاکره امکانات شان محدود است زیرا مقامات افغان این ادعا را باور نخواهند کرد و آنرا نشانه ای از عدم صداقت پاکستان خواهند دانست.

از جانب دیگر این نکته را نیز باید در نظر گرفت که اگر طالبان به خواست پاکستان جواب مثبت بدهند، این کار شان به این معنی خواهد بود که آنها در طول سیزده سال گذشته به دستور پاکستان جنگیدند و اکنون به دستور همین کشور از جنگ دست می کشند و از خود هیچ اراده ای نداشته اند. این کار به معنی جداشدن جنگجویان طالبان از صف آنان و پیوستن آنان به داعش خواهد بود و دیگر چیزی به نام تحریک طالبان باقی نخواهد ماند تا حکومت افغانستان با رهبرانش مذاکرات صلح را برگزار نماید. بنابراین دشوار است اگر باور کنیم که پروسۀ صلح به کمک پاکستان بتواند به نتایج مطلوب که آرزوی ملت افغانستان است، منجر گردد. بازهم گذشت زمان پاسخ خواهد داد.

ترکیه او سعودي د امت مشرۍ په نوې...

د مصر د مشروع ولسمشر دکتور مرسی لخوا سعودي او ایران ته سفرونو کولو سره د دواړو تر مینځه د برابر و اړیکو ساتلو څرګندولو باج ورڅخه سعودي د هغه د نظام په پرځولو کې برخه اخستلو سره واخست، خو د داعش په ټکولو کې (چې په حقیقت کې د القاعده په څېر او د نړۍ په ګوټ ګوټ کې داوړیکو خوځښتونو د راټوکېدلو لامل همدغه دیکتاتورې واکمنۍ دي) په ظاهره سره یو دریځ لري، چې پرخلاف جګړه کې برخه اخلي، مګر ترکیه یې د بشارالاسد په پرځولو مشروطوي. ښایي د مخالفت لامل یې له هر چاسره جلا ـ جلا اوسي خو داعش چې د اسلامي خلافت د راژوندي کولو سندره غږوي، د هماغه خلافت په رنګولو کې بیا د تېرې سلېزې په لومړۍ ربع کې د آل سعود کورنۍ او مصطفی کمال یو شان رول لوبولی وو؛ یو د مقدسو اماکنو پر لرلو سره ځانته ددې حق ورکولو چې د عثماني خلافت پلازمینه عربستان ته یوسي او بل د ترکتبارۍ په بت ناست وو، چې عربي ولس ورته وروسته پاتې او جاهل ښکارېده او د دواړو د برلاسۍ لپاره کشمکش کې د ایران شاه عبدالعظیم هم د نوروز او زردشت پالنې تبی نېولی وو، چې دواړه ورته د خپل فرهنګ په وړاندې کم ښکاره کېدل.

مګر د وخت یواځینی معالج افغان سیدجمال الدین نسخې هر یو نه عملي کولې او بالاخره د مایوسۍ سمندر مصر ته ورسوه، چې د محمد عبده په څېر شاګرد په روزلو سره یې د امت لارښوونې لپاره د پان اسلامیزم څراغ بل کړ مګر عمر ورسره یارې ونکړه څو د پان اسلامیزم دایډیالوژۍ په خپرولو سره د امت له لاسه ورکړی برم لاسته راوړي. که څه هم څو کلونه وروسته د مصر څخه د همدې مفکورې پیروي خوځښت د یو بل داسې دعوتګر په لاس رامینځته شو چې د مذهبي توپیر غوښتنو تر څنګه د تسنن او شیعه برلاسۍ غوښتنو یې هم مخ ډب نکړای شوه او د امام حسن البناء په لاس دغه کښېښول شوي نیالګي لاندې کیښناستلو ته د امت ځوریدلي بچیان لیواله وو چې د سیورې لاندې یې کښیني خو د امت مشرۍ نشې راخستو عرب واکمنانو د دغه خوځښت د پیروانو سره هم وفاء ونکړه او له واکه یې لدې وېرې لېرې کړ چې پېروان یې چېرې په یوویشتمه پېړۍ کې د عربي پادشاهت طلسم مات نکړي او دامت مشرۍ ته نیسي

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم –سال چهاردهم – شمارهٔ اول ۳حمل ۱۳۹۴ ۳ جمادی الآخر ۱۴۳۶ 23 March 2015

امکانات رسیدن به صلح از مسیر پاکستان

□ وحید مژده

سفر رئیس جمهور کرزی به عربستان سعودی و همزمان با آن دیدار داکتر عبدالله عبدالله رئیس اجرائی حکومت وحدت ملی از هندوستان سوالاتی را در مورد پروسهٔ صلح با طالبان که پاکستان وعدهٔ آنرا داده بود، بمیان می آورد. بر طبق وعدهٔ مقامات پاکستانی باید این مذاکرات در اوایل ماه مارچ آغاز می شد. تصور این بود که پاکستان توان آنرا دارد تا طالبان را به پای میز مذاکرات صلح حاضر سازد اما با گذشت حدود یک ماه از معیاد تعیین شده، هنوز از مذاکرات صلح خبری نیست.

در دیدار رئیس جمهور غنی از عربستان سعودی و دیدار وی با پادشاه این کشور چنین به نظر می رسید که جانب افغانستان خواهان نقش جدی تر سعودی در پروسهٔ صلح است تا سعودی با استفاده از نفوذ خود بر پاکستان، از این کشور بخواهد که به تعهد خود عمل نموده طالبان را به پشت میز مذاکره بیاورد.

رسانه ها در افغانستان در طول سیزده سال گذشته یکسره به تبلیغ این باور مشغول بودند که اگر پاکستان صادقانه به پروسهٔ صلح در افغانستان کمک نموده و اراده نماید، مشکل افغانستان حل خواهد شد. این باور بحدی به ذهنیت ها تحمیل شد که امروز هیچکس حتی نخبه های سیاسی در این کشور نیز این سوال را مطرح نمی کنند که آیا پاکستان توان این کار را دارد یا نه؟ این تبلیغ که طالبان از خود هیچ اراده ای ندارند، تا سال ۲۰۱۵ به نفع پاکستان بود و به این کشور این امکان را فراهم کرده بود تا خود را در قضیهٔ افغانستان یک جهت مهم و تاثیرگذار قلمداد نماید.

تغییر در سیاست خارجی افغانستان بعد از بقدرت رسیدن حکومت وحدت ملی به نفع پاکستان بود و افغانستان با دوریْ از سیاست کرزی یا بعبارهٔ دیگر دور شدن از هندوستان، به یکی از مهم ترین خواست های پاکستان جواب مثبت داد. اکنون زمان آن رسیده بود تا صداقت پاکستان در عمل به آزمون گرفته شود.

در این میان شایعاتی در مورد آغاز مذاکرات صلح دولت افغانستان با طالبان با وساطت پاکستان پخش گردید که طالبان این شایعات را فقط جنگ تبلیغاتی علیه خود می دانستند اما از آنجائی که رهبری طالبان فقط دفتر قطر را برای مذاکرات صلح موظف ساخته است، این پخش چنین اخبار موجب نگرانی رهبران طالبان گردید زیرا این شایعات در میان جنگجویان طالبان این مفکوره را بمیان می آورد که معاملات پنهانی در میان است و این باور می توانست موجب دو دستگی در صف آنان گردد.

به همین دلیل در یک اقدام کم سابقه، دفتر سیاسی طالبان در قطر اعلامیه ای در رد این شایعات صادر نمود. در این اعلامیه آمده است که اعضای دفتر سیاسی آنان تا اکنون به کدام کشوری به هدف گفتگو و مذاکرات با ادارهٔ کابل سفر نه نموده اند نه به کدام کسی در این مورد نشست و گفتگوئی صورت گرفته است.

اما سوال اینست در حالیکه رهبری طالبان دفتر قطر را یگانه مرجع برای مذاکرات صلح معرفی کرده و اعضای این دفتر هرگونه مذاکره را با دولت افغانستان رد می کنند، پس پاکستان به نام مذاکرات صلح چه کسانی را بعنوان نمایندهٔ طالبان به جانب افغانستان معرفی می نماید؟

از خبرهایی که از طریق رسانه های پاکستان به خارج درز کرده چنین بر می آید که پاکستان تعدادی از طالبانی را که دیگر در صف طالبان دارای اثر و رسوخ نیستند، برهبری مولوی عبدالجلیل حقانی به سفارت های کشور های غربی و شرقی در اسلام آباد می برد و تلاش دارد تا از این طریق برای آنان مشروعیت سیاسی کسب نماید. مولوی جلیل در دوران طالبان معین سیاسی وزارت خارجهٔ طالبان و به نزدیکی با آی اس آی مشهور بود. با همین سابقه، پاکستان سعی دارد وی را نمایندهٔ شورای کویته معرفی نماید.

هر زمانی که در افغانستان در مورد نقش پاکستان در پروسهٔ صلح شک و شبهه ای ابراز می شود، رسانه های پاکستانی بخصوص روزنامهٔ اکسپرس که وابسته به آی اس آی است، با نشر یک خبر جعلی مدتی رسانه های افغانستان را ص۷

پایان سال پنجم پارلمان و دستآورد های پنج ساله!

□ صدام صخره

یکی از دستآورد های حکومت پس از طالبان گشایش پارلمان و تفکیک قوا در افغانستان است. پارلمان افغانستان در دو دوره فعالیت های قانونی خویش، یک سلسله قوانین را به تصویب رساند و بر پاره یی از اعمال حکومت نظارت نمود. تعدادی از وزرا از فلتر این مجلس به بیرون پرتاب گردید و به مثابهٔ عامل فشار در کارکرد های حکومت نظارت داشته است. طوری که این مجلس توانست از وزیران و رئیسان مستقل پرسش هایی را در موقع اش به عمل آورد و از تعداد آنها اعتماد خود را پس گرفته است که این ها از کار های نیک این مجلس گفته می شود. با وجود توشیح قانون اساسی جدید و ایجاد یک سلسله قوانین، هنوز دیده می شود که جامعهٔ افغانستان به صورت کل قانونمند نشده و یکی از انتقاد های شدید جامعه و مردم عادی افغانستان نبود تطبیق قانون در کشور است.

نبود تطبیق قانون و حکومت های موازی در افغانستان کشور را به سوی فساد و بی مبالاتی فرا خواند و کشور نتوانست از کمک های خارجی و از قوانین جدید استفاده نماید. پارلمان کشور نتوانست در این راستا حکومت را یاری رساند و در جهت قانونمند سازی جامعه گام های بلند بردارد. بعد از سال ۲۰۰۹ میلادی ریاست جمهوری به صورت واضح در برابر تصامیم پارلمان قرار گرفت و مقابله و رویارویی بین رئیس جمهور و پارلمان بالا گرفت؛ طوری که رئیس جمهور و در مجموع حکومت به تصامیم پارلمان کمتر اعتناء نمود. وقتی تعدادی از وزرا از سوی مجلس سلب اعتماد گردیدند، این رئیس جمهور بود که این وزرا را به صورت سر پرست در وظایف شان نگه داشت و پارلمان نتوانست نظر به مداخلهٔ رئیس جمهور از صلاحیت های قانونی خویش استفاده نماید. اما آنچه در مورد پارلمان گفتنی است این خواهد بود که در دل تعدادی از کسانی که می خواستند به هیئت کابینه و ریاست های مستقل راه یابند، یک نوع خوف را در دل آن ها ایجاد نمود و در حدود بالاتر از ۶۰ فیصد از کاندیداتوران رهبران حکومت وحدت ملی در فلتر پارلمان گیر ماندند و دروازه های وزارت خانه ها به روی آن ها مسدود گردید.

در ضمن یک سلسله اتهام هایی بر مجلس از سوی حکومت و دیگران وارد شده است که آن گرفتن تحفه و غیره از کاندیداتوران و مصروف شدن اعضای پارلمان به کار های شخصی و مزاحمت در کار های حکومت و غیره بوده است. به هر صورت پارلمان در دور دوم خویش به کم کاری شهرت یافته است و بسیاری از قوانین مهم در این دوره به تصویب پارلمان نرسیده است. قانون تحصیلات عالی که شاهرگ فعالیت های اکادمیک در افغانستان است، در حبس خانگی پارلمان قرار گرفته است. و به همین گونه قوانین دیگر؛ در حالیکه وظیفهٔ اساسی پارلمان تصویب قوانین ضروری، نظارت بر اعمال حکومت، تصویب بودیجه، نظارت بر قرار داد های مهم حکومت و غیره است. اما پارلمان در این دوره به کار های فرعی و غیر ضروری پرداخته و در بسیاری از موارد با عجله و شتاب عمل نموده و بعد از چندی ذهنیت های آن ها سرد شده است. وقتی امنیت در سرحدات و شهر های بیشتر می گردد، این مجلس با شتاب وزرای سکتور امنیتی را فرا می خوانند و بعد از چند ساعت جر و بحث دیگر قضیه به پایان می رسد.

مشکل دیگر پارلمان نبود نظارت مشترک آن ها در خصوص مسایل کلان کشور است. رئیس جمهور اسبق به قدر کافی در میان اعضای مجلس نفوذ داشته و تصمیم ارگ در تصاویب مجلس پارلمان مشهود بوده است. تعدادی از وزیران در حکومت حامد کرزی به اشارهٔ وی در فلتر پارلمان گیرد می ماند و آرای لازم را بدست نمی آوردند.

در این دور هم امیدواری چندانی وجود ندارد که میان رئیس جمهور و پارلمان نظارت مشترک بوجود آید و از همین اکنون یک نوع رویا رویی بین مجلس نماینده گان و رئیس جمهور در خصوص حق نظارت به اعضای شورا های ولایتی بوجود آمده است که احتمال شگاف بیشتر میان حکومت و پارلمان دیده می شود.

ترکیه او سعودي د امت مشرۍ په نوې سیالۍ کې

■ شفیق

سعودي عربستان د مسلمانانو د مقدسو اماکنو په لرلو سره ځانته دا حق ورکوي چې د امت مشري وکړي خو کومه لیار یې چې د امت د مشرۍ لاسته راوړلو لپاره نیولې ده، هغه د الله جل جلاله د کور پرځای د ترکستان په لورې تللی ده؛ افریقایي بې وزله ولس ته د قرآن کریم د نسخو په لېږلو، یا بې وزله هیوادونو ته د قربانیو د څارویو د غوښو په لېږلو سره غواړي ځان د امت مشرتابه مقام ته ورسوي مګر د امت د فکري تنویر او اسلامي ارزښتونو ته د ژمن پاتې کېدلو پرځای د هغه چاپېښې وهي څوک چې اسلامي امت د الله او رسول لورې ته په بېولو سره د اسلامي امت د تېر برم او شوکت داعادې لپاره تلپاتې مبارزه کوي؛ چې د هغې یو ثبوت په مصر کې د لسګونو کلونو اسلامپالې مبارزې لاروي حرکت الاخوان المسلمون له واک څخه لېرې کولو هڅه او د دیکتاتور او سیکولر واکمن ته ورکولو لپاره پانګونه وه، چې د پخواني پاچا ددفتر رئیس التویجري یې زمینه برابره کړې وه.

ترکیه د اسلامي هیوادونو له مینځه بل هغه هیواد دی چې وګړي یې د تسنن پیروان دي او واکمن نظام یې د لویدیځ په لوڅوکلپونو او اروپایې شرابو کې غرقې ترکیې څخه راتوکېدلي هغه ګوند په لاس کې راغلی چې مشران او پېروان یې غواړي د اتاتورک د امت پلورنې د ګناه کفاره ورکړي، چې اوس مهال یې ولسمشر (طیب اردوغان) او د هغه اسلامپال (عدالت او پراختیا) ګوند په نوښت دا هوډ هم کړی چې د نړۍ په ګڼو هیوادونو لکه صومالیه، البانیا، کیوبا او ...... هیوادونو کې اوه ویشت ستر ستر مسجدونه جوړ کړي او پدې توګه د اسلام خپراوي ببرغ هسک کړي او د سعودي او ترکیې دواړو څخه هر یو د دې کوښښ کوي چې د تسنن پیروانو په مشرۍ او نمایندګی په امت کې ځانته ځانګړی مقام پیداکړي او ترکیه بیا ددې په لټه کې هم ده چې د ملګرو ملتونو په امنیت شورا کې د یو اسلامي هیواد په توګه یوازینۍ دایمي څوکۍ ولري، چې ښایي په نړیوال سیاست کې د امریکا سره همغږي او کله یې جغ په اوږه وړل هم د همدې نیت د تحقق لپاره یوه منظمه استراتیژي اوسي. خو د سعودي په پرتله پرې د اسلامي امت باور ورځ تر بلې ډېرېږي؛ ځکه د بنیامین نتنیاهو سره یې د فلسطین د مسلمان ولس له حق څخه په دفاع کې یو ځل د غیرت څرګندونه پدې سره کړې وه چې ورسره یې په میز کې له ګډون څخه بایکاټ وکړ؛ البته دواړه پدې تکي کې سره اشتراک لري چې د پخواني شوروي د مارکسي ایدیالوژۍ پیروي بعثي رژیم د وارث بشارالاسد له واکه غورځول پرځان د سوریې د ولس حق ګڼي؛ هغه ولس چې په هکله یې تولې لویدیځې نړۍ پر خپلو غوږونو پردو راخورولو سره بې تفاوتي اختیار کړې ده او د دوه لکه انسانانو ککرۍ یې تویې شوې او نږدې اته ملیونه وګړي یې د دغه دیکتاتور واکمن څخه ځان د خلاصون لپاره مهاجر شوي دي.

او ایران چې د اسلامي هیوادونو له مینځه که دا کریدت له ځانه سره لري چې د فلسطین د مسلمان ولس څخه دفاع کوونکي خوځښت څخه ننګه کوي او یایې د مرسي حکومت سره مرسته پرځان پور ګڼلو او په خواب کې یې ۷مخ